شماره ۲۱۶
دوره چهارم سال نوزدهم
اول خرداد ۱۳۸۲

آمریکا کانادا ۱ دلار،
اروپا یک یورو

نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی

مهدی سامع

رویدادهای تروریستی اخیر در عربستان سعودی (۳۴ تن کشته که ۱۵ تن از آنان تروریستها بودند)، در مراکش(۴۱ تن کشته که ۱۳ تن از آنان تروریستها بودند) و در اسرائیل و فلسطین که از روز شنبه ۱۷ مه تا روز دوشنبه ۱۹ مه در شهرهای الخلیل، بیت المقدس و شهرک کفرداروم در نوار غزه(تعدادی سرباز اسرائیلی همراه با تروریستها کشته شدند) که همه ی آنها از طریق عملیات انتحاری صورت گرفت، وجه دیگری از بربریت در جهان ما را به نمایش گذاشت.

بنیادگرایان اسلامی با حربه تروریسم در شکل عملیات انتحاری، مدعی می شوند که برای اجرای احکام «الله» بر روی زمینی که «کفر» آن را فراگرفته مبارزه می کنند. اما در پس این پرده عوامفریبانه و در محافلی که فرمان به چنین جنایتهایی می دهند، مجادله و رقابت در بازار پر رونق اسلحه، مواد مخدر و سکس جریان دارد. در حالی که افرادی مثل خمینی، ملا عمر، بن لادن و خامنه ای در علن از جانب «خدا» فرمان ترور و توسعه جهل صادر می کنند، در خلوت آن کار دیگر می کنند و در این میان جان هزاران شهروند بی گناه دهکده جهانی ما هر روز تهدید می شود.

تروریسم اسلامی یکی از مهمترین چالشهای جهان ما است که مغز و قلب آن در «ام القرا» ی «امت» اسلامی، یعنی در تهران است. چشم بستن بر این واقعیت و بدتر از آن، نرمش و استمالت نشان دادن در مقابل آمران آن و همزمان متوسل شدن به اقدامات نظامی–امنیتی در برابر عاملان آن، زیانهای جبران ناپذیری به مردم جهان وارد کرده است. نمی توان از مبارزه با تروریسم دم زد و همزمان در تهران، ژنو، پاریس، لندن و .... به مذاکره با تروریستها نشست و با آنان به تفاهم رسید. جهان ما به یک سیاست روشن و بدون تبعیض و ریا در مورد نقض کنندگان حقوق بشر، تروریستها و مستبدان نیاز دارد. اگر آمران جنایت فجیع رستوران میکونوس در برلین و آمران قتلهای سیاسی زنجیره ای در ایران در یک دادگاه بین المللی محاکمه می شدند و پرده از هزارتوی اعمال جنایتکارانه آنها برداشته می شد، تروریسم اسلامی امروز این گونه گستاخانه اظهار وجود نمی کرد. با آرزوی این که چشمان همه ی کسانی که منافع و مطامعی در گسترش تروریزم ندارند بر روی واقعیت تروریسم اسلامی باز شود.

***

بقیه در صفحه ۲

جاویدان باد اول ماه مه، روز جهانی کارگران

اول ماه مه در جهان

از صفحه ۵ تا ۹

www.iran-archive.com

شرکت فعالان سازمان در راهپیمایی اول ماه مه

فعّالان سازمان طبق معمول همه ساله به همراه احزاب وجریانهای سیاسی آلمانی همچون PDSحزب سوسیال دموکراتهای انقلابی آلمان ، اینترناسیونال سلی دارید ،MLPD حزب مارکسیست لنینیست آلمان، سند یکاهای چپ گارکری ، حزب سبزها واحزاب و گروهای ترُک و کرد درمراسم گرامیداشت اوّل ماه مه روزجهانی کارگران وزحمتکشان درشهردویسبورگ هامبورن ، ازجلوی شهرداری هامبورن راهپیمائی انجام شد وتاپارک Landschafts Park که یک کارخانه قد یمی بوده ودرحال حاضرتبد یل به یک پارک وموزه بزرگی گشته ، ادامه پیدا کرد، درآنجا ضمن گردهمآئی اقدام به سخنرانی وموزیک پرداخته شد. منشور سازمان بزبانهای آلمانی وانگلیسی بین شرکت کنندگان توزیع گشت.

سرمقاله ---

برخورد نزدیک از واپسین نوع
صفحه ۳

بحران انقلابی، مرکز ثقل تحول و سه خط مشی مختلف
(قسمت آخر)
صفحه ۱۲

آخرین خبر

با اندوه فراوان

فدایی خلق، مادر سنجری درگذشت

مراسم ادای احترام و خاکسپاری شنبه ۳۱ ماه مه – پاریس – گورستان پرلاشز برگزار خواهد شد.

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه یک

این روزها در کشتی به گِل نشسته اصلاح طلبان قلابی جنب و جوشی نا امیدانه به راه افتاده و در این میان حرفهایی شنیده می شود که وقتی شش سال پیش از جانب ما و سایر آزادیخواهان مطرح می شد، پاسخی جز سیلی از دشنام و تهمت و فرافکنی نداشت. به این سوال امروز سعید حجاریان توجه کنید که لابد از خود و همراهانش می پرسد که: «چرا اصلاح‌طلبان باید «دستکش مخملین سفید» برای «مشت آهنین» باشند؟ این کار خوبی است که پیچک استتاری برای پوشش سیم‌های خاردار بشوند؟» مخاطب این سوال آقای سعید حجاریان، به طور طبیعی نمی تواند کسانی باشند که از همان روزی که خاتمی به ریاست بخشی از دستگاه اجرایی نظام ولایت فقیه انتخاب شد گفتند و تکرار کردند که در چارچوب نظام استبدادی ولایت فقیه هر اقدامی تحت عنوان اصلاح طلبی و یا رفرم «دستکش مخملین سفید» برای «مشت آهنین» است. پس قبل از هر کس و در ابتدا خود سعید حجاریان که اتفاقا یکی از سازماندکان و مبتکران «مشت آهنین» و « سیمهای خاردار» بوده، باید به مردم پاسخ گوید و به دنبال او آن عده از فعالان سیاسی که ۶ سال قبل عربده مستانه سر می دادند.

به نمونه دیگری توجه کنیم. علی‌رضا علوی‌تبار یکی دیگر از تئوریسینهای جبهه دوم خرداد در مقاله ای تحت عنوان «پایان یک دوره و آغاز یک دوره دیگر» می نویسد:

> راه واقعی و عملی و البته با هزینه کمتر برای تحقق دمکراسی و استقرار یک نظام عرفی در ایران، نه خط مشی افرادی مثل سعید حجاریان و علی رضا علوی تبار و امضا کنندگان بیانیه های جمعی اخیر، بلکه اتحاد و همبستگی ملی برای سرنگونی نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه است.

«همه دست‌اندرکاران سیاست در ایران احساس می‌کنند که پایان یک دوره فرا رسیده است و همه چیز آبستن تولد دوره تازه‌ای است.» بر علی‌رضا علوی‌تبار به خاطر کاربرد ترم « همه دست‌اندرکاران سیاست در ایران» نباید ایراد زیادی گرفت. او از جمله افرادیست که با گذشته مشعشع در ساختار امنیتی- سیاسی رژیم و با تفکر انحصار طلبی نمی نواتد و نمی خواهد دیگرانی را که بعد از دوم خرداد سال ۱۳۷۶ می گفتند «همه چیز آبستن تولد دوره تازه‌ای است» به حساب آورد. اما بر او و امثال او که اکنون نیز به دنبال راه حلی از درون ولایت خامنه ای هستند و این بار از « مهار قدرت با قدرت همسنگ» به جای سرنگونی استبداد مذهبی حاکم، و از رفراندوم به سود لوایح خاتمی و تغییراتی از این نوع در قانون اساسی و نه الغای قانون اساسی ارتجاعی جمهوری اسلامی در کلیت آن دم می زنند، باید گفت این گونه اقدامات آن هم در شرایطی که به قول حمیدرضا جلائی پور، صدای «غرش موشکهای کروز در عراق، در ایران نیز به خوبی شنیده شده است»، نمی تواند خریدار جدی داشته باشد. رهنمود علی‌رضا علوی‌تبار «پیگیری اصلاحات دموکراتیک، بیرون از حاکمیت و با تکیه بر نیروهای متشکل اجتماعی و دربرگیرنده همه جریانهای طرفدار دموکراسی با محوریت مهار قدرت با قدرت همسنگ» آن هم در شرایطی که تهدید «خروج از حاکمیت» جوک رایج مردم کوچه و بازار تبدیل شده، خریدار جدی نخواهد داشت.

واقعیت این است که در شرایط کنونی خط مشی‌ای که افرادی مثل سعید حجاریان و علی رضا علوی تبار ارایه می دهند و بیانیه های جمعی که بر اساس این خط مشی انتشار یافته فاقد چشم انداز عملی، حتی برای مهار ارتجاع، است.

امضا کنندگان بیانیه هایی مثل « بیانیه مشترک ۱۱۷» و «بیانیه نیروهای فرهنگی سیاسی ایران» و «بیانیه ۱۶ تن از رهبران جبهه ملی» در داخل و بیانیه «برای اتحاد جمهوری خواهان ایران» در خارج از کشور همان راهی را می روند که ۶ سال پیش با دنباله روی از خاتمی آغاز کردند. عماد الدین باقی در مورد مضمون بیانیه ی ۱۱۷ نفر که او خود یکی از امضا کنندگان آن است، به گزارشگر رادیو فردا می گوید: «این متن که برای من آورده شد، جهت امضاء، مخالفش بودم، به دلیل اینکه معتقد بودم سطح یک همچنین بیانیه ای خیلی پایین است با سطح مطالبات اجتماعی و تقریبا برابر سطح بیانیه هایی است که در سال ۷۵ و قبل از دوم خرداد هم امکان بیان و انتشار داشت و هیچ چیز جدیدی هم در آن ندارد.» راه واقعی و عملی و البته با هزینه کمتر برای تحقق دمکراسی و استقرار یک نظام عرفی در ایران، نه خط مشی افرادی مثل سعید حجاریان و علی رضا علوی تبار و امضا کنندگان بیانیه های جمعی اخیر، بلکه اتحاد و همبستگی ملی برای سرنگونی نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه است. به جز این البته راه حل دخالت خارجی که مورد تائید آزادیخواهان نبوده و نخواهد بود نیز وجود دارد که در صورت وقوع مسئول اصلی آن سردمداران رژیم حاکم بر ایران، به شمول خاتمی و مدافعان آو خواهند بود.

اطلاعیه خبری

همزمان با تحصن هزاران تن از ایرانیان در پایتختهای کشورهای اروپایی و در واشنگتن، امروز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۲، صدها تن از خانواده های شهیدان مجاهد خلق همراه با دانشجویان و جوانان در مقابل دانشگاه تهران دست به یک تظاهرات اعتراضی زدند. تظاهر کنندگان در تهران خواستار خارج کردن نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست سازمانهای تروریستی که فقط خواست استبداد مذهبی حاکم بر ایران است شدند. نیروهای سرکوبگر رژیم تمامی منطقه ی اطراف دانشگاه تهران را تحت کنترل گرفته و تعدادی از تظاهرکنندگان را دستگیر کردند. بر اساس گزارش یک شاهد از صحنه تظاهرات امروز در تهران، نیروهای سرکوبگر رژیم برای جلوگیری از پیوستن مردم به صفوف تظاهرات، خیابانهای اطراف دانشگاه تا میدان انقلاب را تحت کنترل گرفته اند و از عبور و مرور مردم در مسیر میدان انقلاب تا خیابان وصال جلوگیری می کنند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن حمایت از خواست تظاهر کنندگان امروز در تهران از تمامی ایرانیان درخواست می کند که با شرکت در تحصنهای ایرانیان در خارج کشور صدای حق طلبی مردم و مقاومت ایران را به گوش جهانیان برسانند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۲

اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران

نمایش رسوای اطلاعات آخوندی در برابر سفارت سوییس در واکنش به تظاهرات و حمایتهای اجتماعی از مجاهدین

رژیم آخوندی برغم فراخوان و دعوت مقاومت، در۷ ماه گذشته به هیچیک از خانواده های مجاهدین اجازه سفر برای دیدار فرزندانشان نداده است

صبح امروز وزارت اطلاعات ملایان در واکنش به تظاهرات روزهای اخیر جوانان و خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی در حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران، در یک نمایش رسوا و تکراری شماری از عوامل خود را به مقابل سفارت سوییس در تهران(حافظ منافع آمریکا در ایران)، فرستاد تا تحت عنوان خانواده های مجاهدین خواستار دیدار فرزندانشان گردند که گوییا «برخلاف میل خود، توسط رؤسای مجاهدین» در خاک عراق نگهداری می شوند!

به قرار اطلاع رژیم آخوندی در روزهای گذشته با مراجعه به خانوادههای مجاهدین، با اعمال فشار و ارعاب از آنها خواسته بود در نمایش وزارت اطلاعات در برابر سفارت سوئیس حضور بهم رسانند اما با جواب منفی و قاطعانه آنها مواجه شد.

نمایشهای مسخره اطلاعات آخوندها و اشک تمساح برای دیدار خانواده ها و فرزندانشان، جز بر نفرت مردم ایران از فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران نمی افزاید. رژیمی که آشکارا خواهان بمباران و سرکوب و سر به نیست کردن همه‌ٔ مجاهدین در خاک عراق است و رئیس جمهور آن آخوند خاتمی هفته گذشته در بیروت مجدداً درخواست کرد «از سوی امریکا حمله ای علیه این گروه صورت گیرد، طوری که صداقت امریکا را در ادعایش نشان دهد» (تلویزیون الجزیره- ۲۴ اردیبهشت). آسوشیتدپرس در همین روز از بیروت گزارش کرد که «خاتمی گفت، ایران مخالف قرارداد میان آمریکا و گروه اپوزیسیون ایرانی مجاهدین خلق می باشد. او گفت متأسفانه یک تفاهم و قرارداد با گروه تروریست به امضاء رسیده است، در حالیکه ما انتظار داشتیم طرف امریکایی کارزاری علیه این گروه تروریست انجام بدهد». خرازی وزیر خارجه آخوندها نیز در دیدار با وزیر خارجه ایتالیا از آمریکا و اتحادیه اروپا درخواست کرده بود «باید به تحمل کردن و مسالمت با مجاهدین خاتمه داده شود» (لاریوبلیکا- ۱۹ اردیبهشت).

شایان توجه است که رادیو و تلویزیون و مطبوعات حکومت آخوندی در همین ایام مستمراً خبر می دهند که مجاهدین در خاک عراق «در کنترل نیروهای امریکایی قرار گرفتهاند» و «حتی برای خرید و خروج از اردوگاهشان، باید اجازه دریافت کنند» (آفرینش – ۲۷

بقیه در صفحه ۴

www.iran-archive.com

سرمقاله ---

برخورد نزدیک از واپسین نوع

منصور امان

طی ماه گذشته، موضوع تماس کارگزاران ایالات متحده و جمهوری اسلامی، برجسته ترین رویداد سیاسی کشور را تشکیل می داد. مسأله‌ی مزبور برخلاف آنچه که در نگاه نخست به نظر می رسد، تنها از زاویه ی تأثیرات خارجی آن و به بیان روشن تر دگرگونی در سیاست منطقه ای ملاها، اهمیت خویش را کسب نمی کند. باتوجه به شرایط پدید آمده پس از اشغال عراق توسط آمریکا، دامنه و نتایج این دیدارها به پهنه های دیگری مانند تعیین استراتژی این کشور در برابر رژیم اسلامی و آرایش گیری دوباره صف بندیهای درونی حکومت گسترش می یابد. از این رو ملاقاتهای یادشده را می توان به مثابه یک فاکتور شتاب دهنده به پروسه ای ارزیابی کرد که در انتهای آن سرنوشت جمهوری اسلامی به این یا آن شکل رقم خواهد خورد.

گفته های مسئولان وزارت امورخارجه ی رژیم در تأیید انجام این دیدارها و سپس اشاره ی صریح خاتمی در یک کنفرانس مطبوعاتی به پیشینه ی دوساله ی آن، خود پاره ای از نکات مبهم پیرامون ماهیت سیاسی گفتگوها و نیز اهداف جمهوری اسلامی را روشن می سازد. اما پیش از هر امر دیگری که به این دیدارها به طور مجرد بپردازد، شفافیت نسبی رییس جمهور ملاها و مسئولان دوایر دولتی او در این باره نشان از یک تصمیم مشترک در بالاترین سطوح قدرت و موافقت باند ولی فقیه با انجام این تماسها دارد. آقای خاتمی که زمانی حتی جرأت پدیدار شدن در یک عکس دسته جمعی که تصویر رییس جمهور وقت آمریکا نیز در آن نقش می شد را نداشت، اینک با اعتماد به نفس پرسش برانگیزی وجود تماس بین دولت خود و ایالات متحده را تأیید می کند و آنرا بدیهی می شمارد. و از سوی دیگر جناح رقیب او نیز که معمولا تلاشهای خارجی "دوم خرداد" را برای مچ گیری و زیرضرب بردن آن کمین می کشید، این بار سکوت اختیار کرده و حتی برخی از افراد این گرایش که مایلند عنوان "مستقل" را برخود بیاویزند، خواهان پیشروی و برخورد فعالتر گردیده اند. این درحالی صورت می گرد که از عمر اطلاعیه ی مضحک دادگستری تهران مبنی بر جرم بودن بحث در مورد رابطه با آمریکا، بیش از یک سال نمی گذرد.

به نظر می رسد اکنون تلاش دوجناح درونی حکومت بیشتر از آنکه برنمایش ابتکار عمل انحصاری خود در این زمینه متمرکز شده باشد، رو به پاس دادن سیب زمینی داغ گفتگو به یکدیگر دارد. امری که می تواند نشانه ای از نتایج ناگواری باشد که حکومت در مجموع از این تماسها انتظار می کشد. و این چندان شگفت آور نیست زیرا با توجه به آنچه که از گفته های مقامات دو کشور برمی آید، افغانستان و عراق - در حال حاضر- محورهای اصلی گفتگوی آمریکا با جمهوری اسلامی را تشکیل می دهند. این که تمایلات مداخله گرایانه ی جمهوری اسلامی در این کشورها در نظر به فاکتهای پدید آمده پس از تهاجم نظامی آمریکا به آنها و توازن نیرو، شانس چندانی برای پیدا کردن زمینه ی عمل و در بهترین حالت به واقعیت گراییدن ندارد، نیازبه بررسی طولانی و یا گمانه زنی نمی یابد. در این میدان بی افتخار، چشم انداز نبرد از پیش در برابر چشمان پایوران رژیم به نمایش درآمده است و اینک حداکثر تواناییها و امکانات آنان که بیش از هر چیز در چهره ی گماشتگان عراقی و افغانی حکومت هیأت یافته است، به سطح یک ابزار فشار دردسرآفرین کاهش گرفته است.

تنها اشاره به نقض قوانین بین المللی برای قانع کردن ملاها به متوقف ساختن اقدامات خود کافی به نظر نمی رسد. مضاف بر این که آمریکا خود نیز در این زمینه کارنامه ی روشنی ندارد و اصولا گفتگو در باره ی سرنوشت آتی سیاست در کشورهای مزبور و سخن گفتن از جانب آنان، به نوعی نقض کننده همین قوانین رسمیت یافته و هنجارها ی ناشی از آن به شمار می آید. دلیل بی روزنه تری که یک عقب نشینی شرمسارانه را را برای ملاها گریزناپذیر ساخته است، آمادگی به اثبات رسیده ی آمریکا برای به کار گیری توانای نظامی خود برای حل بحرانهای سیاسی است. این حقیقت که به روشنی تهدیدی بالقوه و جدی را برای بقای "نظام" به نمایش گذاشته است، ترک سنگرهای پیشین را به انگیزه های موجه تری آراسته می سازد. پرسش تنها این است که زنگوله به گردن کدام جناح بسته می شود و چه کسی مسئولیت آن در برابر جامعه ای مشروعیت "نظام" را از شش جانب با علامت سوال روبرو ساخته، به عهده می گیرد.

با این وجود، مرکز و غرب افغانستان با تبار هزاره ها و اسماعیل خان جنگ سالار و جنوب عراق با خانواده ی حکیم، تنها نقاطی باقی نمی مانند که ملاها از سفره ی رنگین آن دست خواهند کشید و این گمان هراس انگیز، رویارویی با چالش حیثیتی پذیرش شکستی در این قد و اندازه را بسیار دشوارتر می سازد. لبنان ایستگاه بعدی است و پس از آن فلسطین به انتظار ایستاده و سفر هزیمت آلوده ی "ام القراء" از کانون بحران فلسطین و اسراییل و آنچه که "پروسه ی صلح" این دو شهرت یافته است، ادامه می یابد. ساز و کار اتمی، موشکهای دوربرد، سلاحهای شیمیایی و میکروبی و سرانجام بنیادگرایی بازتاب یافته در شکل و درونمایه ی سیاسی جمهوری اسلامی که به گونه ی ناهنجاری از کادر طرح ژئوپولیتیک آمریکا برای منطقه بیرون می زند، خطوط پس روی ملاها را در نقاط دورتری ترسیم می کند. افغانستان و عراق آغاز فرآیند تصحیح ناگزیر رویکردها است و این را بهتر از هرکس دیگری، صاحبان آنها دریافته اند.

هنگامی که بلند پایگان دستگاه سیاست خارجی آمریکا تأکید می کنند که تماسهای آنان با جمهوری اسلامی ، "مذاکره" به مفهوم دیپلماتیک آن نیست و تنها به حل وفصل مسایل مشخصی که شرایط روز در دستور کار نهاده است می پردازد، ژرفای بن بستی که رژیم ملاها از طریق این تماسها به درون آن رانده شده است، آشکارتر می گردد. حتی اعلام آمادگی ملتمسانه ی آقای خرازی، وزیر امور خارجه ی حکومت، برای آغاز مذاکراه و دادن اطمینان به آمریکا در این زمینه که این خواست همه ی جناحهای حکومت است نیز کمکی به ارزش گذاری بالاتر ملاقاتها و گنجاندن ترمهای دوجانبه در دستور کار آ ن نگردید.

از این رو یگانه راهکاری که به گونه ی عینی و عملی در دایره ی گزینش جمهوری اسلامی باقی می ماند، عقب نشینی و امیدواری است؛ تدبیری که تصادفا به دلیل همین مولفه ها، به ناهمگونی ای دچار است که آن را از ویژگیهای یک استراتژی تعین یافته تهی ساخته و از عمر مفیدی کوتاهی که شاید برای گذراندن یک دوره ی مشخص کافی به نظر برسد، برخوردار می سازد.

مهمترین شکاف، درانگاشتهای متفاوت جناحهای حکومت از این سیاست نهفته است. آیت الله خامنه ای، ولی فقیه حکومت، وهمچنین حجت الاسلام رفسنجانی هریک جداگانه روشن ساخته اند که به پشت کدام خطوط عقب خواهند نشست و مجوز جناح آنان برای انجام گفتگو با آمریکا صرفا برای پرداختن به موضوع افغانستان و عراق صادر شده است. واین در صورتی است که "اصلاح طلبان" جمهوری اسلامی، سخاوتمندی بیشتری در دادن امتیاز بقاء از خود نشان می دهند.

پیرامون تأثیراتی که در نتیجه ی تدبیر مزبور دو جناح بدان امید بسته اند نیز به همین گونه ارزیابی مشترکی وجود ندارد. یک فاکتور تشویق کننده در اتخاذ روش همکاری با ایالات متحده، چشم داشت به حمایت اتحادیه ی اروپا و دخالت آن برای بازداشتن واشنگتن از دستیازی به اقدامات سخت تر می باشد. بی گمان کشورهای عضو اتحادیه ی مزبور در گرایش دادن جمهوری اسلامی به گفتگو با آمریکا، نقش ویژه ای داشته اند، امری که بدون پذیرش پیش شرط متعادل نمودن سیاستهای منطقه ای و بین المللی از سوی ملاها به دشواری قابل تصور است. اتهام پشتیبانی از تروریسم و تلاش به منظور دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی، موانعی به شمار نمی روند که اروپا بتواند آنها را زیر نگاه مراقب واشنگتن دور زده و روابط تجاری – سیاسی خود با رژیم ملاها را بدون درنظرگرفتن شان به گونه ای عادی شکل داده و پی بگیرد. علایق شرکای تجاری رژیم، بدین سبب با آمریکا در تصحیح رویکرد ملاها مشترک است و این صرف نظر از آن است که پیرامون دامنه ی دگرگونی مزبور، وجود برداشتهای متفاوت بین این دو را نیز نمی توان انکار کرد.

برای طیف قدرتمند در حکومت جمهوری اسلامی، مشکل هنگامی آغاز می گردد که اروپاییان ساختارهای سیاسی "نظام" را با سطح روابط اقتصادی ای که در تلاش ایجاد آن هستند، سازگار نمی دانند. ناموزونی

بقیه در صفحه ۴

رد لایحه ی افزایش اختیارات رییس جمهور در ابتدای یک رشته اقدامات سرکوبگرانه قرار گرفت که با تأیید احکام محکومیت وابستگان جریان موسوم به "ملی – مذهبی" و ایجاد محدودیت گسترده بر سر راه دسترسی به شاهراه اطلاعاتی اینترنت ادامه یافت و همچنان به سوی تنگ کردن پرچین های کشیده شده گرد رقبا و جامعه در حرکت است.

www.iran-archive.com

سرمقاله ----

بقیه از صفحه ۳

تقسیم قدرت، وجود کانونهای فراقانونی تصمیم گیری و فیلترهای چندگانه ای که سیاست و روشها برای فراورویی به قانون و اجرایی شدن ناچار به عبور از آنها هستند، بهترین پیش زمینه ها و سازو کار برای تضمین طرحهای میانه و درازمدت مالی، صنعتی یا تجاری به شمار نمی آیند. پافشاری برتغییر مناسبات سیاسی ـ ساختاری در جمهوری اسلامی که اغلب از پنجره ی "حقوق بشر" و تقویت گرایشهای "پراگماتیست تر"، به اندرونی ولایت پا می گذارد، نمی تواند برای طیف قدرتمند "نظام" مطلوب باشد. از این رو انتظارات اینان از اروپا فقط تا برش زدوده شدن تهدید های بالقوه ی موجود، به گونه ی ایجابی مقدم ناجیان نیمکره ی غربی را گرامی می دارد. حوزه های نفتی، گنجینه های معدنی، پروژه های پرهزینه و قراردادهای تجاری، میزضیافت دیپلماتیک رنگین و سرشار چیده شده است و میهمانان می توانند جا بگیرند، سرویس اما منحصرا در اختیار ولایت است!

به نظر می رسد "اصلاح طلبان" جمهوری اسلامی و یا دست کم بخش راست و میانی آن که پیرامون حجت الاسلام خاتمی گرد آمده اند، بدون تدارک کافی به صحنه ی گفتگو با آمریکا پا گذاشته باشند. گیج سری در میان این گرایش بدان اندازه فرامی رود که نمایندگان آنان در مجلس، برای آگاهی یافتن از آنچه که در این باره درجریان است، هیچ راهی جز نامه نگاری گروهی و فراخواندن وزیرامور خارجه به ادای توضیح نمی یابند. یک دلیل سکوت ناگزیر بخش مهمی از "دوم خرداد"، کنار گذاشته شدن از پروسه ی تماسها و همزمان شریک بودن در آن از طریق رهبر غیر رسمی جناح خود، آقای خاتمی است. تیم "دو خردادی" دولت، همچون پادویی وفادار و بی چشم داشت، درخدمت آنچه که گمان می برد "حفظ نظام" باشد، قرار گرفته است. به خوبی روشن نیست که آقای خاتمی کدام امتیاز یا منافع مشخص را در صورت تأمین این هدف برای خود و جناح اش گمان می برد. نشانه هایی که بیانگر توافق باند ولایت در مورد پرداخت دستمزد وی از کیسه ی قدرت باشد، به چشم نمی خورد. برعکس، آن گونه که پیداست تلاش آشکار دسته بندی ولایت برای تحکیم مواضع خود و چنگ انداختن به تمامی قدرت، به بهای عبور از کلبد نیمه جان چیزی به نام "اصلاحات" با ارگانها و دوایر آن صورت خواهد پذیرفت. برخلاف "جبهه" ی بی برنامه و منفعل "دوم خرداد"، اینان به زمینه سازی و تدارک داخلی اقدامات "نظام" در پهنه ی بین المللی و در برخورد به تهدید آمریکا پرداختند.

عقب نشینی در کارزار خارجی، نمی بایست مترادف ضعف در داخل و برانگیختن تمایلاتی برای تقویت هماوردان یا انسجام دادن آنها شمرده می شد. آمریکا و اروپا باید درمی یافتند که طرف حساب و گفتگوی آنها، صاحبان کنونی قدرت و نه هیچ گزینه ی موجود یا به صف ایستاده ی دیگر است. در این راستا، جاروکردن اپوزوسیون قانونی و بازگرداندن "اصلاح طلبان" به سوراخ خود، تیری بود که دو هدف را نشانه می گرفت. نخست مزاحمان مراجعه پذیری که می توانستند به ابزار فشار خارجی تبدیل گردیده و در زمینهای از دست داده شده استقرار داده شوند، به کنار زده شده و یا به سطح بی اهمیتی سیاسی کاهش می گرفتند. وسپس با افزایش بار سرکوب، توازنی بین شکست استراتژیک در گستره ی خارجی وجلوگیری از تعمیم آثار آن به پهنه ی اقتدار داخلی، برقرار می گردید. امر که می تواند همزمان استحکام موقعیت باند ولایت را نزد طرفهای خارجی به اثبات برساند.

رد لایحه ی افزایش اختیارات رییس جمهور در ابتدای یک رشته اقدامات سرکوبگرانه قرار گرفت که با تأیید احکام محکومیت وابستگان جریان موسوم به "ملی – مذهبی" و ایجاد محدودیت گسترده بر سر راه دسترسی به شاهراه اطلاعاتی اینترنت ادامه یافت و همچنان به سوی تنگ کردن پرچینهای کشیده شده گرد رقبا و جامعه در حرکت است.

"جبهه ی مشارکت" یک بار دیگر با صدای بلند به "خروج از حاکمیت" و استعفا می اندیشد و این بار حتی از سوی نزدیکترین محافل به خود نیز جدی گرفته نمی شود. شکاف در طیف "دوم خرداد" که با جدایی " دفتر تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه" ملموس گردیده بود، اینک پیرامون چگونگی ادامه ی فعالیت و حتی تدوین برنامه ی روزمرگی، ژرفش گرفته است. حجت الاسلام کروبی تنها فردی از این گروه نیست که سازش با جناح رقیب را یگانه راه ممکن می بیند. ایده ی استعفای دسته جمعی نمایندگان "دو خردادی" مجلس که شمارمتغیرآنها به ۱۵۰ تن می رسد، در این میان بیش از ۳۵ مدافع نمی یابد. "پایان یافتن تدریجی اصلاحات"، آن گونه که "جبهه ی مشارکت" در آخرین بیانیه خود خبر می دهد، همزمان پایان تدریجی آن به لحاظ تشکیلاتی نیز هست. این مهم را یا قوه ی قضاییه به انجام خواهد رساند یا آثار طبیعی تلاشی به دور حلقه های فراوان بی عملی آن چنبره زده و کانون منتظر "میانه رو" را به کام نیستی خواهد کشاند.

نقش"دوم خرداد" بر صفحه ی شطرنج سیاست خارجی به سرباز پیاده کاهش گرفته است و با هرگام عقب نشینی "نظام" در این پهنه، نوسان تیغ نهاده شده برگلوی آن شدت می گیرد. همین معادله در مورد مردم و جنبشهای اجتماعی نیز صادق است، با این تفاوت که زنگ زدگی شمشیر اقتدار ولایت را کارگران، دانشجویان، معلمان، زنان، جوانان و دیگر طبقات و اقشار اجتماعی به خوبی تشخیص می دهند. سرکوب و خفقان مانع از رسیدن جمهوری اسلامی به نقطه ی کنونی نگردیده است، جایی که تعریف درهم فروریختگی از آن، تنها می تواند یک تعارف بی آزار باشد. تدابیر حاکمان در برابر شرایط جدید، تکرار تجارب شکست خورده ی پیشین است. بهای شکست سیاستی برخلاف منافع عام مردم را آنها خود نخواهند پرداخت. آقای خامنه ای و شرکا می توانند از هم اکنون جایی برای خود در کنار ملا عمر و یا – کمی لوکس تر– میلیاردر سعودی رزرو کنند.

اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران

بقیه از صفحه ۲

اردیبهشت). روز گذشته سایت بازتاب متعلق به محسن رضایی سرکرده پیشین سپاه پاسداران و دبیر کنونی مجمع تشخیص مصلحت نظام آخوندی اعلام کرد: «ارتش‌های چهارم و پنجم آمریکا که تنها تأمین امنیت در مناطق فرماندهی آمریکا در عراق را بر عهده دارند، در مواجهه با قرارگاههای مجاهدین با دستورالعملی که از کاخ سفید گرفته بودند، به مدت ۷ ساعت با فانتوم‌ها و بالگردهای نظامی بر فراز پایگاه‌های مجاهدین به گشت‌زنی پرداخته و وانمود کردند که برای قلع و قمع مجاهدین آمده‌اند». دبیر تشخیص مصلحت رژیم آخوندی که هفته گذشته در پی گفتگوی محرمانه با مقامهای امریکایی به آتن رفته بود می افزاید: «مجاهدین در قرارگاه اشرف به عنوان اسیر جنگی نگهداری می‌شوند». «برای خروج از قرارگاه اشرف، باید از ارتش آمریکا اجازه بگیرند». «آمریکا تسهیلات لازم برای خروج اعضای مجاهدین از عراق را فراهم آورد. اما این شرط برای مسعود و مریم رجوی نخواهد بود».

اکنون از آخوندها و وزارت اطلاعات منفور آنها باید پرسید اسیر گرفته شدن همه مجاهدین در خاک عراق را باور کنیم یا این را که افرادی «برخلاف میل خود، توسط رؤسای مجاهدین» در خاک عراق نگهداری می شوند؟!

جالب توجه اینکه طی هفت ماه گذشته، برغم فراخوانهای متعدد و دعوت مسئول شورای ملی مقاومت ایران، رژیم آخوندی حتی به یکی از خانواده مجاهدین هم اجازه؟ سفر به عراق و دیدار با فرزندانشان را نداده است. در ۶ آبان سال گذشته شماری از عوامل وزارت اطلاعات، در یک نمایش مشابه با تجمع در مقابل دفتر ملل متحد در تهران به ابراز نگرانی برای فرزندانشان که «اسیر گروهک تروریستی در عراق هستند» پرداختند. متعاقبا آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت طی پیامی برای دبیرکل ملل متحد، کمیسر عالی ملل متحد برای حقوق بشر، کمیسر عالی ملل متحد برای پناهندگان، رئیس کمیته بین المللی صلیب سرخ و سازمانها و مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر، خاطرنشان کرد اگر آخوندها ریگی به کفش ندارند، اجازه بدهند هر کس نگران سلامتی و وضعیت فرزند یا خویشاوندان خود در قرارگاههای مجاهدین است، با هزینه مجاهدین به دیدار آنها بشتابد. مسئول شورای ملی مقاومت افزود: «.ای کاش آخوندهای پلید و خونریز نیز اجازه می دادند یک هیئت از وکلا و حقوقدانان بین المللی همراه با گزارشگران ملل متحد و نمایندگان مقاومت ایران از مراکز جاسوسی و تروریستی و انباشت تسلیحات کشتار جمعی و همچنین زندانهای رژیمشان بازدید بعمل بیاورد». (اطلاعیه ۸ آبان ۱۳۸۱ – دبیرخانه شورای ملی مقاومت).

سازمان مجاهدین خلق ایران از سفارت سوئیس و دفتر ملل متحد و نمایندگان صلیب سرخ در تهران میخواهد که رژیم آخوندی را وادار کنند به خانواده های مجاهدین برای دیدار فرزندان و منسوبینشان در خاک عراق، با همراهی و تحت نظارت نمایندگان سفارت سوئیس و ملل متحد و صلیب سرخ، اجازه سفر بدهد.

۳۰اردیبهشت ۱۳۸۲

www.iranarchive.com

جاویدان باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران

اول ماه مه، روز همبستگی بین‌المللی کارگران را به تمامی کارگران و مزدبگیران در سراسر جهان تبریک می‌گوییم و برای جنبش کارگری در سراسر جهان در مبارزه علیه استثمار، استبداد و عقب‌ماندگی موفقیتهای بزرگ آرزو می‌کنیم و همبستگی خود را با مبارزه کارگران، زحمتکشان و مزدبگیران سراسر جهان که برای جهانی عادلانه، دموکراتیک و انسانی مبارزه می‌کنند اعلام می‌داریم.

از اول ماه مه سال قبل تا کنون جنبش جهانی کارگران و مزدبگیران راهی پر فراز و نشیب را طی کرده است.تهاجم عنان گسیخته انحصارات امپریالیستی به سطح زندگی و معیشت توده های زحمتکش و پایمال کردن حقوق کارگران همچنان بی وقفه ادامه داشته است.

صدها هزار تن از کارگران و مزدبگیران در گوشه و کنار جهان که هزینه ی بی سابقه‌ترین عملیات تروریستی در روز ۱۱ سپتامبر دو سال قبل را با روانه شدن به اردوی بیشمار بیکاران پرداخت کردند، اکنون باید هزینه جنگی ویرانگر را بپردازند. طی دو سال گذشته تشکلهای کارگری در بسیاری از کشورها و به ویژه در کشورهایی که زیر سلطه رژیمهای استبدادی هستند، مورد تعرض قرارگرفت و صدها تن از فعالان کارگری دستگیر و روانه زندان شدند. شمار زیادی از زنان و مردان کارگر و مزدبگیر در سال گذشته در سراسر جهان درمبارزه برای خواستهای بر حق خود جان باختند.

در سال گذشته نقش کارگران و مزدبگیران در جنبش جهانی علیه تعرض انحصارات امپریالیستی و دولتهای مدافع آنان، و مبارزه کارگران علیه جهانی شدن بربریت و ویرانگری ابعاد گسترده‌ای یافت. مبارزه کارگران برای بهبود شرایط کار، برای به رسمیت شناختن حق تشکلهای کارگری، برای بالا رفتن دستمزدها، برای حق اعتصاب و حق برخورداری از بیمه‌های اجتماعی، برای پایین آمدن ساعات کار و برای برابری زنان و مردان از حقوق مساوی در کار مساوی همچنان ادامه یافت.

مساله «جهانی شدن» و چگونگی برخورد با آن از مهمترین مسائلی بود که در سال گذشته فعالان جنبش کارگری و نمایندگان تشکلهای کارگری در سمینارها و گردهماییهای گوناگون و منجمله در دومین گردهمایی سازمانهای اجتماعی در پورتوالگره پیرامون آن به بحث و بررسی و تبادل نظر پرداختند.

ما همچنان که در سال قبل اعلام کردیم براین باوریم که جنبش کارگران و مزدبگیران در سراسر جهان باید با گرایشهای ناسیونالیستی، با بنیادگرایان مذهبی و نیروهای عقب افتاده که با تمامی اشکال جهانی شدن و توسعه جهانی مخالف و بر بازگشت به سرمایه‌داری ماقبل انحصاری و مستحکم نمودن مرزهای ملی در تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تاکید می‌کنند، مرزبندی قاطع داشته باشند.

فروریختن مرزهای ملی و ادغام جهانی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در پروسه رشد و تکامل جامعه بشری است. راه نجات از بربریت و ویرانگری، مبارزه متحد جهانی کارگران، مزدبگیران و نیروهای اجتماعی ترقیخواه در جهت ساختن جهانی عادلانه، دموکراتیک، صلح‌طلب، مدرن و ترقیخواه است.

واقعیت این است که بار اصلی ضرر و زیان و هزینه جهانی سازی بر دوش کارگران، مزدبگیران، زحمتکشان و لشگر میلونی بیکاران است،اما واقعیت مهمتر که چشم بستن بر آن زیانهای جبران ناپذیری به مبارزه جهانی برای پیشرفت، آزادی و عدالت وارد می کند، این است که برای کارگران و مزدبگیران راه عقب گرد وجود ندارد.کارگران و مزدبگیران سازندگان اصلی جهانی انسانی و «جهانی دیگر» هستند.

> الترناتیو پروسه جهانی شدن، ایده‌های ارتجاعی و ناسیونالیستی افراطی و یا ایده‌های نهیلیستی نیست. الترناتیو قطعی، واقعی و علمی جهانی شدن، سوسیالیسم جهانی است.

ما بازهم تکرار می کنیم که:«جهانی شدن اقتصاد و وابستگی متقابل کشورها، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در پروسه رشد و انکشاف سرمایه‌داری امپریالیستی از یک طرف و از طرف دیگر در پروسه تکامل نیروهای تولیدی و امری بازگشت‌ناپذیر است.

الترناتیو پروسه جهانی شدن، ایده‌های ارتجاعی و ناسیونالیستی افراطی و یا ایده‌های نهیلیستی نیست. الترناتیو قطعی، واقعی و علمی جهانی شدن، سوسیالیسم جهانی است. ما باید همواره تاکید کنیم که جنبه ناعادلانه جهانی شدن، مناسبات حاکم بر این جهانی شدن است و اگر این مناسبات از روابط ناعادلانه و استثمارگرانه تبعیض‌آمیز، ضد دموکراتیک به مناسباتی نوین فرا روید، جهانی شدن و فروپاشی مرزها و ایجاد شبکه جهانی اطلاعات و ارتباطات و قدرت و توانایی بشر برای غلبه بر مشکلات را میلیونها برابر افزایش خواهد داد.»

کارگران و مزدبگیران ایران که همزمان فشاراستبداد مذهبی و تعرض عنان گسیخته سرمایه داران را با تمام گوشت و پوست و استخوان خود حس می کنند، به

خوبی به این حقیقت پی برده اند که هم استبداد مذهبی و هم طرفداران لیبرالیسم جدید، دشمنان آنان هستند.

در سال گذشته صدها حرکت اعتراضی و اعتصابی توسط کارگران بزرگترین کارخانه‌های ایران صورت گرفته است. در بسیاری از این حرکتها خواستهای سیاسی نیز به طور آشکار مطرح شده است. تظاهرات بزرگ کارگران در روز ۲۵ تیر سال گذشته که در آن کارگران شعار«این آخرین پیام است، جنبش کارگری آماده قیام است» و قیام چند روزه کارگران کارخانه های بهشهر در هفته گذشته از جمله مهمترین حرکتهای کارگری در ایران است که نشان دهنده عمق و وسعت آگاهی کارگران ایران است. با وجود آن که این حرکتهای گسترده توسط نیروهای سرکوبگر رژیم مورد تهاجم وحشیانه قرار گرفته و صدها تن زخمی و دستگیر شدند، اما مبارزه کارگران با گامهای استوار پیش رفت.

مبارزه کارگران و مزدبگیران کشور ما به یک بخش اساسی مبارزه سراسری مردم ایران برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و تحقق حکومتی سکولار، دموکراتیک و عدالتخواه تبدیل شده است. خواست مبرم و اولیه کارگران و مزدبگیران ایران حق اعتصاب، حق تشکلهای مستقل کارگری و حق برخورداری از بیمه‌های اجتماعی است و این مبارزه تا تحقق خواستهای بر حق آنان ادامه خواهد یافت.

سرانجام به دنبال تلاشهای نیروهای ترقیخواه و فعالیتهای مستمرمقاومت ایران در سازمان جهانی کار، رژیم ایران تن به یک عقب نشینی و پذیرش بازدید هیاتی از جانب سازمان جهانی کار از ایران داد.

در سال گذشته گروهی از نمایندگان کارکنان صنعت نفت در نامه‌ای به تاریخ ۱۶ دیماه خطاب به «برنارد جرنیگان» و «کارن کرتیس» کارشناسان سازمان بین‌المللی کار که به منظور بررسی جایگاه تشکلهای کارگری در ایران از طرف شاخه آزادی اتحادیه‌های سازمان بین‌المللی کار و اداره آزادی انجمنهای این سازمان به ایران سفر کرده بودند، خواستار ممانعت از دخالت نیروهای غیرکارگری در ایجاد اتحادیه‌های مستقل کارکنان صنعت نفت شدند.

امضا کنندگان این نامه نوشته اند که:« طبق تبصره ماده ۱۵ قانون شوراهای اسلامی کار ایجاد هر گونه تشکل در صنایعی بزرگ چون نفت، گاز، پتروشیمی، ذوب‌آهن، صنایع مس و صنایع سنگین منوط به اجازه شورای عالی کار است و تاکنون نیز این نهاد اجازه ایجاد تشکلی در این صنایع را نداده است. علاوه بر این کارگران صنایع زیر ۳۵ نفر هیچ‌گونه تشکلی ندارند و شوراهای اسلامی کار نیز که یک تشکل کاملا دولتی و ایدئولوژیک است، پس از ۲۳ سال از هفت هزار کارگاه موجود، تنها در دو هزار کارگاه افرادی را به عنوان نماینده کارگران منصوب کرده‌اند، بنابراین در غیاب تشکلهای مستقل کارگران ایران، امضای هرگونه قرارداد سه‌جانبه جنبهٔ

بقیه در صفحه ۶

www.iran-archive.com

ایجاد سندیکاهای کارگری خواست کارگران و فعالان سندیکایی کارگری

زینت میرهاشمی

از پایگاه اینترنتی ایران نبرد

فعالیت سندیکاهای کارگری بدون مصوبه قانونی، تضمینی نخواهد داشت

بیانیه ای بین سازمان بین المللی کار و وزارت کار و امور اجتماعی رژیم، روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت در رابطه با سندیکاهای کارگری به امضاء رسید. براساس گزارش خبرگزاری ایسنا (۲۴ اردیبهشت) در بیانیه فوق، در مورد اصلاح فصل ششم قانون کار، حق انتخاب، استقلال و فعالیت آزادانه سازمانهای کارگری از دولت و کارفرمایان، تاکید شده است و سندیکاهای کارگری به عنوان نماینده کارگران به رسمیت شناخته شده است.

بعد از دیدار هیأت مشاوره سازمان بین المللی کار از ایران (۷ ماه پیش)، با مسئولیت برناردجرنیگان، گزارشی از طرف هیأت فوق در ۲۰ دی ماه ۱۳۸۱ منتشر شد. گزارش فوق فقدان تشکلهای مستقل کارگری را بر شمرده و اولویت کار هیأت را «تضمین استقرار چارچوبی مناسب برای ایجاد و فعالیت نهادهای مستقل و آزاد کارگری و عضویت در آنها» قرار داده بود.

بعد از انتشار گزارش یاد شده، تعدادی از فعالان سندیکایی در ایران، طی فراخوانی بین المللی خواهان عدم به رسمیت شناسی شوراهای اسلامی کار و انجمنهای صنفی وابسته به حاکمیت و کارفرمایان به عنوان نمایندگان کارگران ایران شدند.

فراخوان مزبور، خواهان ایجاد «تشکلهای مستقل کارگری و نهادهای دموکراتیک و غیر وابسته به حکومت در ایران» شده بود.

بر اساس قوانین کار رژیم، انجمنهای اسلامی، شوراهای اسلامی کار نمایندگان کارگران محسوب می شوند و تشکلهای مستقل کارگری خارج از چارچوب این تشکلها حق فعالیت ندارند. تشکلهای موجود، که تشکلهایی دولتی به حساب می آیند هیچگاه بیان کننده و پیگیری کننده خواستهای کارگران نبوده اند. تنها تشکلهایی می توانند بیان کننده منافع کارگران به شمار آیند که با رای مستقیم کارگران و بدون هیچگونه وابستگی به نهادهای حکومتی ایجاد شده باشد.

در توافق انجام شده بین سازمان بین المللی کار و وزارت کار و امور اجتماعی رژیم، نواقص اساسی وجود دارد که در شرایط موجود به نفع تشکلهای دولتی و حکومت عمل خواهد کرد. از یک طرف در این بیانیه مشترک و اصلاحی بر فعالیت آزادانه سندیکاها تاکید کرده است و از طرف دیگر شرط را بر این گذاشته است که این تشکلها در وزارت کار و امور اجتماعی ایران به ثبت برسد. این امر در حالی قید شده است که هنوز در قوانین کار رژیم، قانون آزادی فعالیت سندیکاها به تصویب نرسیده است. طبیعی است در رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی، این سندیکاها بدون وجود پشتوانه قانونی و به ویژه الزامات ثبت آن، در دایره بسته ای در جدال با شوراهای اسلامی کار و وزارت کار و امور اجتماعی گیر خواهد کرد.

آقای برنارد جرنیگان در مصاحبه ای در تهران گفته است که: «حق ثبت برای وزارت کار به عنوان حق آزادانه ی خودسرانه ای تلقی نمی شود که در ثبت سازمانهای کارگری و کارفرمایی دخالت داشته باشد. بلکه صرفا از این جهت است که وزارت کار شرکای اجتماعی خودش را بشناسد.»

این امر که رژیم حاضر به چنین اصلاحاتی در بخش تشکلهای کارگری شده است ناشی از فعالیت فعالان سندیکایی و اعتراض کارگران به دیدار قبلی هیأت مشاوره و نامه نگاری آنها است. این گونه عقب نشینیها تا زمانی که شکل قانونی و عملی به خود نگیرد، صرفا مانورهایی از طرف رژیم برای وارد شدن به جامعه بین المللی بدون پرداخت هزینه خواهد بود و بدون شک تضمینی نخواهد داشت. ضمنا اگر عضویت در سندیکاها و یا شرط ثبت آنها در وزارت کار، داشتن التزام به اسلام و ولایت فقیه باشد، چنین سندیکاهایی، سندیکاهای مستقل و نماینده تمام کارگران نخواهد بود و بازیچه ای در دست رژیم برای دادن مانورهای بیشتر خواهد شد. تشکلهای مستقل کارگری و سندکاهای کارگری و فعالیت آزادانه آنها از خواستهای به حق کارگران است که باید تضمینهای لازم را در عمل بیابند.

۲۵ اردیبهشت

توافق با سازمان بین المللی کار و نقش شوراهای اسلامی کار

در توافقی که بین سازمان بین المللی کار و وزارت کار و امور اجتماعی رژیم ایران در مورد به رسمیت شناختن تشکلهای مستقل کارگری صورت گرفت، به شوراهای اسلامی نقش مشورتی داده شده است. وزارت کار و امور اجتماعی رژیم که در شرایط فعلی ناگزیر به امضای توافق فوق گردیده است، موظف به شناسایی سندیکاهای کارگری به عنوان نمایندگان کارگران شده است.

شورای اسلامی کار و «خانه کارگر»، با توافق انجام شده برای تغییر قانون کار در این مورد مخالف کرده اند.

محجوب دبیر کل «خانه کارگر»، که نهادی دولتی است، اقدامات اخیر وزارت کار و امور اجتماعی را بی حرمتی به شوراهای اسلامی، دانسته است. وی در توجیه مخالفت خود می گوید: «وزارت کار و امور اجتماعی با اقدام اخیر خود به دنبال تبدیل اختیار به جبر و تشکیل تشکلهای انحصاری است.»

ایجاد تشکلهای صنفی، غیر ایدئولوژیک و مستقل از نهادهای حکومتی، مانند سندیکاهای کارگری خواست کارگران و فعالان سندیکایی کارگری بوده و هست که با دخالت مستقیم سازمان بین المللی کار، رژیم جمهوری اسلامی ناچار به پذیرش آن در حرف شده است. این سندیکاها زمانی نقش واقعی پیدا می کنند که غیر اسلامی و مستقل از نهادهای حکومتی، حق فعالیت آزادانه خود را در در چارچوب قانونی و حقوقی رسمیت بخشند

محجوب با اتکا به قانون اساسی رژیم و ارگانهای تصمیم گیرنده آن، هر گونه تغییری را در مورد حقوق شوراهای اسلامی کار، در محدوده ی اختیارات مجلس خبرگان و در نهایت رفراندوم دانسته است، از این رو وی توافق انجام شده بر سر تغییرچگونگی به رسمیت شناسی نمایندگان کارگران از طرف وزارت کار و امور اجتماعی با سازمان بین المللی کار را غیر قانونی معرفی کرده است.

۲۷ اردیبهشت

جاویدان باد روز اول ماه مه ...

بقیه از صفحه ۵

قانونی و واقعی ندارد.» این نمایندگان کارگران «خواستار حذف تمامی مواردی از قانون کار»، «که به نحوی مانع ایجاد تشکلات مستقل و غیرایدئولوژیک کارگران هستند، تا کارکنان صنعت نفت و صنایع بزرگ بتوانند تشکل مستقل خود را بر مبنای مقاوله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های آن سازمان به وجود آورند» شده اند.

در سال گذشته همچنین تعدادی از فعالان سندیکایی طی یک فراخوان بین المللی که سازمان ما نیز از آن حمایت نمود، خواستار دفاع از کارگران ایران شده و از اتحادیه‌های آزاد بین‌المللی و سازمان جهانی کار اقدامات ذیل را درخواست نموده اند:

۱- فشار به دولت جمهوری اسلامی ایران جهت لغو فوری مصوبه شورای عالی کار در مورد حذف کارگران کارگاههای زیر ۱۰ نفر از مواد حمایتی قانون کار و دیگر مصوبات ضدکارگری قید شده در این فراخوان.

۲- عدم به رسمیت‌شناسی شوراهای اسلامی کار و انجمن‌های صنفی وابسته به حاکمیت و کارفرمایان به عنوان نمایندگان کارگران ایران.

۳- اعمال فشار جهت برقراری نظارت مستقیم اتحادیه‌های آزاد بین‌المللی بر مبارزاتی که برای ایجاد تشکیلات مستقل کارگری و نهادهای دمکراتیک و غیر وابسته به حکومت در ایران می‌شود.

همچنین شانزده تن از فعالان جنبش سندیکایی ایران در روز ۱۷ بهمن ۱۳۸۱ طی نامه ای به اعضای هیات ویژه سازمان بین المللی کار، نوشتند: «خواهان حمایت و پشتیبانی آشکار مشاورین و کارشناسان سازمان بین المللی کار در راستای برگزاری مجمع عمومی آزاد و فراگیر کارگران در همه رشته های تولیدی و خدماتی، بدون دخالت و اعمال نظر نهادهای دولتی و غیرکارگری، جهت ایجاد اتحادیه های مستقل شاغلان رشته های مختلف هستیم. شایسته است که برای جلوگیری از هرگونه دخالت نهادهای دولتی، برگزاری این مجمع عمومی و انتخاب نمایندگان در آن، تحت نظارت مستقیم مسئولین سازمان جهانی کار و اتحادیه های آزاد بین المللی صورت گیرد.»

حرکتهای اعتراضی کارگران و مزدبگیران ایران و تلاشهای فعالان جنبش کارگری در سالی که در پیش رو داریم ادامه خواهد یافت. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران کارگران و مزدبگیران ایران را به مبارزه متحد و یکپارچه علیه رژیم استبدادی - مذهبی حاکم برایران فرا می خواند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آستانه اول ماه مه یکبار دیگر همبستگی خود را با مبارزه کارگران و مزدبگیران ایران اعلام می‌کند و به تمامی زنان و مردان کارگر که به خاطر مبارزه علیه رژیم استبدادی حاکم بر کشور ما به زندان افتاده و زیر شکنجه‌های مزدوران رژیم مقاومت می‌کنند درود می‌فرستد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۸ اردیبهشت ۱۳۸۲-۲۸ اوریل ۲۰۰۳

www.iran-archive.com

"ساکن" در شناسایی حقوق کارگران

لیلا جدیدی

در آستانه فرارسیدن اول ماه مه روز جهانی کارگر و در حالیکه بنا به گفته نماینده فرمایشی کارگران رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار، " کارگران ایران هم اکنون در تاریخ بدترین شرایط را دارند"، سید صفدر حسینی،وزیر کار و امور اجتماعی ، همکاری با سازمان بین المللی کار را پیشرفت قابل توجهی به شمار آورده و هشدار می دهد " ساکن ماندن و کاری نکردن به نفع ما نیست."

این روزها که جنگ و شرایط منطقه، ادامه حیات برای حاکمیت را به بزرگترین دلمشغولی "خودی" های ریز و درشت تبدیل کرده است، اقراربه ساکن ماندن و کاری نکردن وزیر کار، در مقایسه با آب خروشانی که رود خشم کارگران از سر آنان گذرانده است، حتی حداقل ها را هم در بر نمی گیرد. دولت خاتمی از هنگام بر سر کار آمدن هرگز ساکن نمانده و در سرکوب اعتراضات کارگران، معلمان و مزد گیران با سیاسی تلقی کردن و توطئه جناح رقیب خواندن آنها فعالانه شرکت داشته است. حسینی می گوید که طرح های پیشنهادی سازمان بین المللی کار با قوانین ایران در تناقض نیست. این در صورتی است که رژیم از ابتدایی ترین حق کارگران یعنی ایجاد تشکل های مستقل کارگری جلوگیری کرده است و همزمان با به حراج گذاشتن صنایع و خصوصی ساختن آنها، سرنوشت کارگران را به سرمایه دارانی واگذار نموده که در صدر تلاشهای آنان برای کسب سود بیشتر، پائین آوردن شمار نیروی کار و اخراج کارگران ، استخدام موقت و استخدام پیمانی آنها قرار گرفته است. این واگذاریها به بخش خصوصی در جهت سیاست های صندوق بین المللی پول و منافع سرمایه داران صورت می گیرد.

آنچه که هم اکنون در رابطه با زندگی مادی و معنوی کارگران و مزد گیران ایرانی در حاکمیت جمهوری اسلامی در جریان است، مغایر با اعلامیه های جهانی حقوق بشر، منشور جهانی سندیکائی و استانداردهای شناخته شده بین المللی می باشد. در پاسخ به وزیر کار رژیم باید گفت هر چه یشتر دامن ننگین رژیم را چسبیدن و در جنایت علیه زحمتکشان و کارگران شریک شدن است که " به نفع" شما نخواهد بود.

هر چه گسترده تر باد مبارزه کارگران ایران علیه نظام استبدادی مذهبی

سارا. ب

بیش از یک قرن از زمانی که کارگران شیکاگو برای کاهش ساعت کار به هشت ساعت در روز، به مبارزه برخاستند، می گذرد ولی با وجود تمام دستاوردهای جنبش کارگری در جهان به دلیل حاکم بودن سیستم سرمایه داری، هنوز کارگران و زحمتکشان در سراسر دنیا با مشکلات معیشتی دست و پنجه نرم می کنند و زیر چرخ ماشینهای تولید فرسوده می شوند.

امسال کارگران سراسر جهان در شرایطی به استقبال اول ماه مه رفتند که امپریالیسم تلاش می کند با توسل به جنگ، سیاست تجاری در راستای منافع انحصارات فراملیتی و تسلیحاتی را به ملت جهان تحمیل کند و از آنجا که اتخاذ این سیاستها بیشترین فشار را بر گرده کارگران و زحمتکشان وارد کرده، جهان شاهد شرکت فعال کارگران در راهپیمائیهای ضد جهانی سازی و همچنین ضد جنگ اخیر و برای صلح و عدالت بود که بسیار قابل تحسین و ستایش است و نشاندهندهٔ رشد و آگاهی طبقهٔ کارگر در جهان و وسعت مبارزهٔ آنان برای رهائی از یوغ استثمار و استعمار است.

اتخاذ سیاستهای ضد کارگری و فاجعه بار اقتصادی توسط نظام استبدادی مذهبی از جمله سیاست خصوصی سازی، تعدیل اقتصادی و حفظ امنیت سرمایه نیز در ایران بیشترین فشار را بر کارگران و مزد بگیران میهنمان وارد ساخته است. طبق آمار رژیم فقط در طی هفت سال گذشته در حدود یک میلیون و هشتصد و چهل هزار کارگر شغل خود را از دست داده و بیکار شده اند. سرکوب سیستماتیک جنبش کارگری و محروم بودن کارگران ایران از تشکل مستقل کارگری، بیکاری، عدم دریافت حقوق، اخراج و ناامنی شغلی، فقدان یک قانون کار منطبق بر نیازهای طبقهٔ کارگر همگی دستاوردهای رژیم استبدادی مذهبی برای کارگران ایران است و از آنجا که مبارزهٔ طبقهٔ کارگر به میزان درجه تشکل کارگری و ساختار سیاسی حاکم و امکانات و شرایط در هر کشوری شکل ویژه به خود می گیرد، مبارزهٔ طبقهٔ کارگر ایران نیز با توجه به میزان اختناق و سرکوب دشوارتر می شود. ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، یکی از کلیدی ترین ابزار برای مبارزات طبقهٔ کارگر بشمار می رود، از این رو رژیم در سال های گذشته کوشیده که انجمن ها، شوراهای اسلامی کار و خانهٔ ضد کارگر را به عنوان مجامع مستقل کارگری ایران به نهادهای بین المللی کار نظیر ILO معرفی کند و از این طریق برای خود مشروعیت کسب کرده و همچنین جنبش کارگری را به زائده ی جناحهای خود تبدیل کند. همانطور که در سالهای اخیر و در عمل بارها ثابت شده است، نقش خانهٔ ضد کارگر و شوراهای اسلامی کار بعنوان نهادهای وابسته به حاکمیت ضد کارگری در جهت تقویت بخش سرمایه داری انگلی و دلالی جامعه بوده که در تضاد کامل با منافع و حقوق حقهٔ طبقهٔ کارگر است.

مبارزات کارگری میهنمان در سال گذشته نشاندهندهٔ رشد و آگاهی طبقاتی و به ویژه درک این مهم از سوی زحمتکشان است که بدون وجود تشکل های صنفی و اتحادیه های مستقل این جنبش به خواسته ها و مطالبات صنفی خود دست پیدا نمی کند.

طبقهٔ کارگر ایران اگر چه به علت مواجه بودن مداوم با سرکوب و فقدان شرایط دموکراتیک در جامعه نتوانسته است به تشکل های مستقل خود دست پیدا کند اما همیشه در جهت گسترش حرکات خود برای رویاروئی با رژیم و ارتقا مبارزات صنفی در حد یک مبارزهٔ سیاسی کوشیده است. در شرایط کنونی، با تشدید بحران در صنایع، رکود و تعطیلی صدها واحد تولیدی و صنفی، مبارزات صنفی کارگران بسیار گسترده و همه گیر شده است، با توجه به رشد فزایندهٔ بیکاری و تشدید فقر این اعتراضات شکل منظم تری به خود خواهد گرفت و می تواند طیف گسترده تری از مزد بگیران را وارد صحنهٔ عمل کند. بنابراین با در نظر گرفتن اهمیت وافر جنبش کارگری و رابطهٔ تنگاتنگ و ارگانیک آن با مبارزهٔ اجتماعی دیگر اقشار مردم بر علیه سیستم استبدادی مذهبی حاکم بر میهنمان، باری سنگین از مسئولیت بر دوش کارگران آگاه در درون جنبش کارگری و احزاب و سازمان های مدافع حقوق کارگران قرار دارد. آنان باید در جهت رشد و ترقی آگاهی کارگران حرکت کنند، اعتراضات را سازماندهی کرده و بکوشند تا جنبهٔ سیاسی این اعتراضات هر روز برجسته تر شود تا بدین ترتیب این جنبش بسیار مهم و ضروری در گسترش حرکت اجتماعی برای سرنگونی رژیم که اصلی ترین و مهمترین دشمن طبقهٔ کارگر محسوب می شود، نقش عمدهٔ خود را ایفا کند.

اعتراضات اخیر کارگران کارخانهٔ چیت سازی بهشهر که به تعطیلی بازار شهر و ملحق شدن مردم به آنها و سردادن شعارهائی علیه مسئولان و مقامات دولتی از جمله امام جمعهٔ بهشهر ارتقا یافت، نشانگر آن است که علی رغم تمام سرکوب ها و دسیسه های جناحی برای ایجاد موانع بر سر راه جنبش کارگری، این جنبش هر روز از کیفیت بالاتری برخوردار می شود.

دزدی و سوء استفاده میلیاردی در صدا وسیمای خامنه ای

منصور امان

همگام با شدت یافتن جدال باندهای درونی حکومت، خطوط قرمز و رعایت شده ی پیشین، پشت سر نهاده می شوند و اسرار به خوبی محافظت شده، به بیرون سرریز می کنند. پیرامون آنچه که به فساد مالی دستگاههای رسمی و نیمه رسمی جمهوری اسلامی و پایوران آن برمی گردد، در این میان و در بین مردم نکته ی پنهای وجود ندارد. تروت بی حساب و کتاب حجت الاسلام رفسنجانی و خویشان، دزدی میلیاردی ملازاده واعظ طبسی، رسوایی واردات گوشتهای آلوده، قاچاق کالا توسط بلندپایه ترین مقامات رژیم و اسکله های خصوصی سپاه پاسداران و- نه سرآخر- رشوه گیری دهها تن از نمایندگان جانماز آب کش مجلس از یک پادوی مافیای اقتصادی، به خودی خود گویای بسیاری از حقایق پشت پرده و به زبان آورده نشده بوده اند. از این روانتشار گزارش "کمیسیون تحقیق و تفحص از صدا و سیما"، که به یک سوء استفاده ی هنگفت مالی در این سازمان اشاره می کند، موجب شگفتی بزرگی نیست و تنها به یک حقیقت عمومی و از پیش ثابت شده، مهر تأیید مجدد می زند.

بنا به آنچه که کمیسیون یاد شده اعلام نموده، در سازمان تحت کنترل ولی فقیه، یک دزدی ۵۳۰ میلیارد تومانی را کشف کرده است. اما پرونده ی سرقت اموال عمومی با این رقم یکسره توضیح داده نمی شود زیرا "کمیسیون تحقیق و تفحص از صدا و سیما" در گزارش خود همزمان یادآور شده است که رقم مزبور تنها پس از بررسی پنج حساب از مجموع دویست حساب صدا و سیما، به دست آمده! اگرچه نمایندگان "اصلاح طلب"، دزدی میلیاردی داراییهای جامعه را به سادگی به " رییس و معاون مالی – اداری صداو سیما" نسبت داده اند اما به همان صراحت تلاش آنان برای مخفی نگاه داشتن نام سارقین اصلی، پیداست که کیسه ی گشاد چه کسانی را برای یافتن وجه به یغما رفته می بایست جستجو کرد. آیت الله خامنه ای و اعضای دفتر او در این رابطه متهمان بدیهی و اصلی هستند و پس از آنان سپاه پاسداران که توسط برادران لاریجانی در این سازمان نمایندگی می شود، براین جایگاه نشسته اند. و همچنین اعضای "شورای سرپرستی صدا و سیما" که تقسیم سهام بین دوجناح را به عهده دارند را نیز از یاد نباید برد.

گزارش کمیسیون مچ گیری، طبعا در سطح باقی مانده و در میان تشویق و هلهله ی دزدان اصلی، به قربانی شدن چند واسطه و پادو هم خواهد انجامید. با این وجود افشای روابط درونی حکومت، داوری مردم در باره ی "نظام" را به دلایل محکم تر، عنی خواهد کرد.

www.iran-archive.com

روز اول ماه مه در جهان

در بسیاری از شهرهای جهان به مناسبت اول ماه مه تظاهرات گسترده ای بر پاشد. در خیابان های فرانسه، اتریش، نروژ، سوئد، اسپانیا، ایتالیا و آلمان تظاهر کنندگان شعارهائی علیه برنامه های سیاسی و اقتصادی دولت های خود حمل می کردند. خشونت بار ترین تظاهرات اول ماه مه در برلین صورت گرفت در این تظاهرات گروههائی از جوانان پس از یک جشن خیابانی ساعت ها با پلیس سرگرم زدو خورد شدند. این گروهها با پرتاب سنگ و بطری و مواد آتشزا به سوی ماموران انتظامی آنها را ناگزیر به حمله متقابل کردند و در این زدو خوردها دهها نفر از طرفین مجروح شده و بیش از۱۰۰ نفر از تظاهرکنندگان بازداشت شدند.
به گزارش بی بی سی در اجتماعات بزرگ سازمانهای کارگری و کارکنان صنایع، رهبران اتحادیه های کارکنان در سخنرانی های خود از روند مسائل اجتماعی وکاهش کمکهای بازنشستگی و تامین اجتماعی در کشورهای خود انتقاد کردند
پایان دادن به زدوخوردهای خونین در مناطق فلسطینی و استقرار صلح بین اسرائیل و فلسطینی ها نیز از خواسته های سیاسی نظاهر کنندگان بود.
در شهرهای بزرگ لندن و برلین، در کنار تظاهرات آرام و سخنرانی های مقامات رسمی و رهبران اتحادیه های کارگری، گروههایی نیز دست به خشونت زده و با نیروهای انتظامی درگیر شدند.
در آلمان، انتقاد ازدولت ائتلافی سوسیال دمکرات و سبزها، به اوج خود رسید و در حومه فرانکفورت که در اجتماع بزرگ اتحادیه کل کارگری، گرهارد شرودر صدر اعظم سوسیال دمکرات آلمان هم حضور داشت، رهبران اتحادیه های کارگری با انتقاد شدید از دولت، برنامه اصلاحات آقای شرودر را رد کردند.
این رهبران برنامه موسوم به اصلاحات ۲۰۱۰ گرهارد شرودر را با اصول سوسیال دمکراتی مغایر دانسته و آنرا بر خلاف حقوق اساسی کارگران و بازنشستگان و طبقه کم در آمد نامیدند.صدر اعظم آلمان هنگام سخنرانی و دفاع از برنامه خود چند بار با فریادهای اعتراض آمیز روبرو شد.
گزارش هائی که از بلژیک، سویس و چند کشور اروپائی دیگر رسیده حاکی است که در این کشورها نیز در کنار مراسم آرام روز کارگر، گروههایی از شرکت کنندگان دست به خشونت زده و با پلیس در گیر شدند.
صدها هزار اسپانیائی نیز در روز کارگر همزمان با حضور وزیر امور خارجه آمریکا در کشورشان با برپایی تظاهرات در بیش از یکصد شهر حمله نظامی آمریکا به عراق و کشتار غیر نظامیان را محکوم کردند.
در کشورهای اروپای شرقی که اکثر آنها در آینده نزدیک عضو اتحادیه اروپا خواهند شد روز اول ماه مه جشن گرفته شد و راه پیمایی ها در بیشتر موارد با حفظ آرامش برگزار شد.
به گزارش بی بی سی گسترش بیماری سارس امسال باعث کاستن از شور و شوق مراسم سنتی روز کارگر در چین شده است، زیرا بسیاری از مردم در هراس از ابتلای به این بیماری ویروسی ترجیح داده اند در منزل خود بمانند.
محل های مورد توجه گردشگران در پکن خالی از مراجعه کننده است. رسانه های رسمی چین از کارکنان درمانی و پزشکی به دلیل تلاش های آنان در مبارزه با سارس قدردانی کرده اند.

در **کوبا** تظاهرات در میدان انقلاب هاوانا برگزار شد و فیدل کاسترو رئیس جمهوری این کشور نیز در این مراسم سخنرانی کرد. بیش از یک میلیون مردم کوبا با راهپیمایی در هاوانا تهدیدات آمریکا به ضد کشورشان را محکوم کردند.
فیدل کاسترو رئیس جمهور کوبا نیز در جمع راهپیمایی کنندگان با محکوم کردن جنگ طلبیهای آمریکا در مناطق مختلف جهان گفت: سران آمریکا در حال بحث بر سر زمان و چگونگی حمله به کوبا هستند. این در حالی است که ۱۶۵ دانشمند که اسامی چند برنده جایزه نوبل صلح جهانی نیز در آن می‌درخشد تهدیدات نظامی آمریکا علیه کوبا را محکوم کردند.
مراسم روز کارگر در **لندن** نیز به درگیری بین پلیس و مردم انجامید. درگیری زمانی آغاز شد که پلیس برای متوقف کردن تظاهرکنندگان که در اعتراض به جنگ

طلبی آمریکا در مقابل دفتر یک شرکت آمریکائی تجمع کرده بودند وارد عمل شده بود.
در جزیره دوپاره قبرس در دریای مدیترانه، قبرسیان ترک و یونانی امروز برای نخستین بار در دهها سال گذشته فرارسیدن روز اول ماه می را مشترکاً جشن گرفتند.
در همین حال، هزاران تن از مردم اندونزی در اول ماه در تظاهراتی خواستار استعفای خانم مگاواتی سوکارنوپوتری، رییس جمهور آن کشور، به دلیل "بی توجهی وی به حقوق کارگران" شدند.
در روسیه نیز ده ها هزار تن از مردم در راهپیمایی هایی شرکت کردند که توسط اتحادیه های صنفی، کمونیست ها و در بعضی شهرها توسط مقامات برگزار شده بود.

کمونیست های عراقی در جشن روز کارگر

مجدی عبدالهادی از بخش عربی بی بی سی گزارش داد که:چند صد کمونیست عراقی برای نخستین بار

چند دهه برای بزرگداشت روز کارگر به خیابان های بغداد رفته اند.
هرچند در دوره حکومت صدام حسین روز کارگر به عنوان یکی از ایام ملی تعطیل می شد، اما فعالیت حزب کمونیست از سوی حکومت قدغن شده بود.
مردان، زنان و کودکانی که برای بزرگداشت روز کارگر در مرکز بغداد تجمع کرده بودند، بندهای قرمز با آرم داس و چکش کمونیستی به سر داشتند و پرچم های سرخ تکان می دادند.
انتخاب محل این تجمع قابل توجه بود چون در همان نقطه ای برگزار شد که گروهی از عراقی ها یک مجسمه بزرگ برنزی صدام حسین را ساعاتی پس از تسخیر بغداد توسط نیروهای آمریکایی به زیر کشیده بودند.
تظاهرکنندگان کمونیست، با مشت های گره کرده که به آسمان می کوبیدند، زیر پرچم هایی که خواستار امنیت، صلح و دمکراسی در عراق بود راه پیمایی کردند و سرودهای خوشبینانه ای برای آینده شاد و متحد عراق خواندند.
حکومت صدام حسین نیز مانند بسیاری دیگر از حکومت های عرب فعالیت حزب کمونیست را ممنوع کرده بود و اعضای آن را تعقیب می کرد.
اما علی رغم این موضوع، این حزب که یکی از سازمان یافته ترین گروه های چپگرا در جهان عرب بود، با یک روزنامه به نام "طریق الشعب" و یک ایستگاه رادیویی که از ناحیه کردنشین شمال عراق فعالیت می کردند از سرکوب جان به در برد.
این حزب می گوید از زمان سقوط حکومت بعثی عراق، درحال گشودن دفاتر تازه ای در سراسر عراق بوده است.
طی سه هفته گذشته، عراق شاهد انفجاری در شمار گروه های سیاسی که یا از تبعید بازگشته اند یا از خفا خارج می شوند بوده است. برخی از آنها گروه های اسلامی هستند که با شدت با آمریکا خصومت می ورزند.
با توجه به این وضع، ناظران به این نتیجه رسیده اند که واشنگتن به زودی درخواهد یافت که ساقط کردن رژیم صدام حسین آسان تر از جایگزین کردن آن بود.

مراسم روز جهانی کارگر در خانه کارگر استان تهران

مراسم بزرگداشت روز جهانی کارگر صبح روز چهارشنبه ۳۰ آوریل با تجمع بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران در نهاد دولتی خانه کارگر استان تهران برگزار شد.
در این مراسم حسن صادقی، رییس کانون عالی شورای اسلامی کار کشور و پرویز احمدی، رییس هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران سخنرانی کردند و چند تن از کارگران به بیان مطالبات و مشکلات صنفی خود پرداختند.
در این گردهمایی کارگران از عملکرد مسئولان وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی انتقاد کردند و خواستار تامین امنیت شغلی و افزایش میزان حداقل دستمزد کارگران در سراسر کشور شدند.
آنها همچنین شعارهایی در مورد اصلاح قانون کار، قراردادهای موقت کار و قانون بازنشستگی سر دادند.
بنابر این گزارش، سخنرانی صادقی در چند نوبت با حضور چند تن از شرکت‌کنندگان پشت تریبون قطع شد. یکی از آنان معترض به وضعیت جامعه کارگری با فریاد گفت:« کار برای مردان باید ۲۵ سال و برای زنان
بقیه در صفحه ۹

www.iran-archive.com

جنبش اعتراضی کارگران بهشهر، مبلیران و نرخ بیکاری

زینت میرهاشمی

کارگران بهشهر

اعتصاب و تظاهرات اعتراضی کارگران چیت سازی بهشهر نسبت به وضعیت خود همچنان ادامه دارد. چهارشنبه هفته گذشته چندین هزار نفر از کارگران چیت سازی بهشهر بعد از حرکتهای اعتراضی گوناگون، به دلیل عقب افتادن حقوق و شرایط بلاتکلیفی خود دست به راهپیمایی بزرگی زدند که منجر به درگیری با سرکوبگران رژیم گردید.

طی هفته اخیر این حرکتهای اعتراضی همچنان ادامه داشته است. اسدی رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان مازندران از بی نتیجه بودن مذاکرات کارگران و دولت خبر داد. وی ضمن اشاره به شرایط التهابی کارگران از گسترش اعتراض در روزهای اتی خبر داد. او گفت: « پیش بینی ما این است که شبیه روز چهارشنبه که بالغ بر بیست و پنج هزار نفر در تجمعی شرکت کردند وشهر چهره ملتهبی به خود گرفته بود، امروز نیزشهروندان دیگری به جمع کارگران بپیوندند.»

کارگران شرکت ایران کنف استان گیلان، صبح روز سه شنبه (دیروز) به دلیل عدم دریافت یازده ماه از حقوق خود با پای پیاده راهی تهران شدند. وضعیت کارگران در بحران و رکود موجود در کارخانه‌های ایران، روز به روز وخامت بیشتری پیدا می کند. عدم دریافت حقوق در مقابل کار انجام شده، در بسیاری از کارخانه‌ها از یک سال هم گذشته است. در برابر رکود تولید و ورشکستگی، بلاتکلیفی و اخراج از کارخانه، کارگران را تهدید می کند. جنبش کارگران طی یک سال گذشته در حرکتهای خود علاوه بر خواسته‌های صنفی، حق تشکل یابی و ایجاد تشکلهای غیر دولتی را هم مطرح کرده‌اند.

۳ اردیبهشت

شرکت مبلیران

کارگران شرکت مبلیران در اعتراض به وضعیت خود، روز شنبه ۶ اردیبهشت در ساختمان وزارت کار و امور تجمع نمودند. ۲۳۰ کارگر شرکت مبلیران بعد از ۷ سال موقعیت ناپایدار کاری و عدم دریافت ۶ ماه حقوق خود برای چندمین بار دست به اعتراض زده اند. خبرگزاری ایسنا ۶ اردیبهشت از قول یکی از کارگران معترض می گوید که در آخرین توافق به دست آمده با اداره ی کار قرار بود که به محل کار بازگردند. وی می افراید که از ۱۶ روردین ماه که به محل کار بازگشتیم، درهای شرکت بسته است.

کارگران نساجی پارس ۷ ماه است که در ازای کار انجام شده، هیچ حقوقی دریافت نکرده اند. روزنامه همبستگی ۷ اردیبهشت در این باره می نویسد: «کارگران نساجی پارس ایران که بیش از ۲۹۰ نفر در آن شرکت شاغل هستند مطالبات قانونی خود را از جمله حقوق، عیدی و پاداش و بن کارگری از تیر ماه ۱۳۸۱ طلبکار هستند.»

وزیر کار و امور اجتماعی رژیم، با مثبت ارزیابی کردن برنامه‌های این نهاد، مدعی شد که: «کارگران ایرانی نسبت به کارگران دیگر کشورها از مشکلات کمتری برخوردار هستند.» معلوم نیست وضعیت کارگران ایران با کدام کشورها وکدام معیارها در حرفهای این وزیر رژیم سنجیده شده است. اما ان طور که معلوم است این حرفها در شرایطی زده می شود که آمار خود رژیم گواهی می دهد که: «۱۲۷۰ واحد تولیدی در سطح کشور دچار مشکل هستند و از یک ماه و نیم تا ۲۸ ماه نتوانسته اند حقوق کارگرانشان را پرداخت کنند.»

۷ اردیبهشت

نرخ بالای بیکاری و بحران جدی در کشور

رئیس مجمع قضایی خانواده با اشاره به وارد شدن سالانه ۲۰۰ هزار فارغ التحصیل به جمع بیکاران گفت: با نرخ بیکاری بالای ۲۰ در صد در سال ۸۳، کشور در آستانه بحران جدی قرار می گیرد.

حمیدیان، در مصاحبه با روزنامه انتخاب (۱۷ اردیبهشت)، رشد نرخ بیکاری زنان را از سالهای ۷۵ تا ۸۰ حدود ۵۰ درصد ذکر کرد و اعلام نمود که این رشد از ۱۳/۳ درصد به ۲۰ درصد افزایش داشته است.

بر اساس آمارهای اعلام شده از طرف وی، شمار ۱۳ میلیون نفری جمعیت کشور که تحت فشارهای ناشی از بیکاری هستند، تا سال ۸۵ به ۳۰ میلیون نفر افزایش خواهد یافت.

توجه به آمارهای فوق و رشد ۵۰ درصدی بیکاری زنان، نشان دهنده آسیب پذیری زنان در مقابل بحران بیکاری موجود در جامعه است. در حالی که ورود زنان به مراکز دانشگاهی به رقمی بالای ۶۰ درصد رسیده است، داده های آماری رژیم، از افزایش ۵۰ در صدی بیکاری زنان خبر می دهد.

شورای عالی اشتغال رژیم، روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت به وضعیت اشتغال پرداخت. خاتمی، رئیس جمهور رژیم در این جلسه گفت «در سال ۸۱ در مجموع ۶۹۰ هزار شغل ایجاد شد.» در صورتی که بنا به گفته وی برای تحقق اهداف پیش بینی شده در پایان برنامه سوم توسعه، باید «هر ساله ۹۰۴ هزار شغل ایجاد شود.» اگر به همین آمارهای رژیم بسنده کنیم، تفاوت فاحش فرصتهای شغلی ایجاد شده با آنچه که باید ایجاد شود و وارد شدن جمعیت جوان ۱۵ تا ۲۰ ساله به بازار، نشان روشنی از اقتصاد بحران زده و ناتوانی پایوران رژیم از ارائه راهکارهای لازم دارد. حمیدیان با اشاره به نرخ بیکاری می گوید تا سال ۸۵ با وارد شدن جمعیت ۱۵ تا ۲۰ ساله به بازار کار، بیکاری به رقم خطر آفرین ۹ میلیون نفر خواهد رسید.

۱۸ اردیبهشت

برگرفته از سایت ایران نبرد

روز اول ماه مه در جهان

بقیه از صفحه ۸

۲۰ سال باشد. آقایانی که برای افزایش دستمزد " اگر و اما " می‌آورند، می‌توانند یک خانواده را در شهر تهران با حقوق ماهیانه ۱۰۰ هزار تومان تامین کنند؟ چرا واقعیت ها را نمی‌بینند. بعضی‌ها ۲۵ سال است با شعار دادن و صدور قطعنامه هیچ کاری انجام نداده‌اند. یکی زن کارگر نیز در پشت تریبون گفت:« من ۲۵ سال کار کرده‌ام و اکنون تامینی ندارم. این تنها حرف من نیست.»

به گزارش ایسنا، مجری برنامه اعلام کرد که تعدادی از شرکت‌کنندگان در این مراسم از اعضای خانه کارگر و سازماندهی شده نبوده‌اند.

گفتنی است در این مراسم شرکت‌کنندگان پلاکاردهایی با مضمون " تغییر کارشناسانه‌ی قانون کار به نفع سرمایه داران را محکوم می‌کنیم"، بخشنامه‌ی داخلی تامین اجتماعی در مورد مشاغل سخت و زیان آور مغایر قانون است"، " تضعیف کارگران = خدمت به بیگانگان" در دست داشتند.

این مراسم با قرائت قطعنامه‌ای در ۱۰ بند، خاتمه پیدا کرد.

علی تعالی، مدیرکل سیاسی- انتظامی استانداری تهران، در این باره به خبرنگار ایسنا گفت:« وزارت کشور و استانداری با توجه به سوابق گذشته، برای برگزاری راهپیمایی و تجمع روز کارگر، با لحاظ مسایل ترافیکی و امنیتی، در میدان قزوین مجوز دادند، اما درخواست کنندگان زیر بار نرفتند و گفتند که با این شرایط آن را برگزار نمی‌کنیم و فقط به برگزاری مراسم در خانه‌ی کارگر بسنده کردند.»

وی توضیح داد که در همه‌ی کشورها، تعیین مسیر راهپیمایی و تجمع به خاطر لحاظ کردن مسایل ترافیکی و امنیتی، برعهده‌ی مسوولان انتظامی است.

همچنین در روز اول ماه مه(۱۱ اردیبهشت)صدها تن از فعالان مستقل جنبش سندیکایی کارگران تهران روز جهانی کارگر را در جاده ساوه در یک سالن ورزشی برگزار کردند

در ابتدای مراسم یکی از شعرها افراشته شاعر کارگری مشهور توسط یک کارگر خوانده شد و سپس مهدیون، جواد مهران گوهر، و چند تن دیگر که همگی از فعالان جنبش سندیکایی ایران هستند سخنرانی کردند.

در پایان قطعنامه این گردهمایی قرائت شد

گزارش آماری از کارگاههای صنعتی

ایسنا- ۱۸ فروردین ۱۳۸۲

بیش از ۹۰ درصد کارگاههای صنعتی متعلق به بخش خصوصی است

در سال ۱۳۷۹، مالکیت ۷/۷ درصد کارگاههای ۱۰ نفر کارکن و بیشتر به بخش عمومی و ۹۲/۳ درصد به بخش خصوصی تعلق داشته است.

به گزارش مرکز آمار ایران تعداد کارگاههای صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر در سال ۱۳۷۹ در مقایسه با سالهای گذشته با کاهش مواجه بوده، به نحوی که از ۱۳ هزار کارگاه صنعتی در سال ۱۳۷۵ به ۱۱ هزار و ۲۰۰ کارگاه کاهش یافته است.

بر اساس آمارهای سال ۱۳۷۵ بیش از ۱۳ هزار کارگاه صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر وجود داشته که مالکیت ۸/۵ درصد از کارگاههای مزبور به بخش عمومی و ۹۱/۵ درصد به بخش خصوصی تعلق داشته است.

ارزش افزوده کارگاههای صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر در سال مزبور بیش از ۲۸ هزار میلیارد ریال برآورد شده که بیش از ۲۳ هزار میلیارد ریال آن مربوط به کارگاههای دارای ۱۰۰ نفر کارکن و بیشتر بوده است.

همچنین کل شاغلان کارگاههای فوق حدود ۹۰۶ هزار نفر بوده که ۱۵/۸ درصد آنان در صنایع تولید منسوجات (کارخانه نخ‌ریسی، نساجی، قالیبافی و ....) که بیشترین تعداد کارکنان را در بخش صنعت دارند مشغول به فعالیت بوده‌اند.

بر اساس آمار منتشره از سوی مرکز آمار ایران، ارزش افزوده کارگاههای صنعتی اداری ۱۰ نفر کارکن و بیشتر بیش از ۷۴ هزار میلیارد ریال برآورد شده است که حدود ۶۵ میلیارد ریال آن مربوط به کارگاههای دارای ۱۰۰ نفر کارکن و بیشتر است.

www.iranarchive.com

زن در مسیر رهایی

لیلا جدیدی

تجاوز و قتل در تیمور شرقی

۲۹ اوریل، بنا به گزارش آسوشیتد پرس – طی دادگاه بدوی دو روزه ای که به اعمال خشونت علیه زنان در دوران اشغال ۲۴ ساله اندونزی رسیدگی می کرد، شاهدان از شکنجه، تجاوز و قتل مردم توسط ارتش خبردادند. شهردار شبه جزیره تیمور شرقی گفت که ارتش اندونزی زنان را وادار به بردگی جنسی برای افسران می کرده است. سخنگوی ارتش اندونزی این اتهامات را تکذیب کرده و گفت فرماندار سابق احتمالا دیوانه است. ماریو وگاس کاراسکالو، فرماندار سابق، چگونگی تجاوزات جنسی به همسران رزمندگان استقلال طلب را افشاء کرده و گفت که " پس از تجاوز به زنان، سربازان شوهران آنان را به قتل می رساندند".
در ماه مه سال گذشته، تیمور شرقی پس از دوقرن استیلای پرتغال و ۲۴ سال اشغال خشونت آمیز اندونزی که منجر به مرگ هزاران نفر مردم این منطقه گشت، استقلال خود را بدست آورد. ماموران دولتی و افسران ارتش در این منطقه، در دادگاه جنایت علیه بشریت از طرف سازمان ملل و دولت اندونزی به محاکمه کشیده شده اند.

پزشک زن یا مرد

۲۹ آوریل، بنا به گزارش بخش پزشکی رویتر، درنشست سالیانه دانشگاهی پزشکان آمریکائی خانواده و زنان، گزارش ارائه شده حاکی از آن بود که اکثر زنان ارجحیتی به مرد یا زن بودن پزشک امور زنان و خانواده نمی دهند. زنان به پزشکانی علا قمندند که بتوانند ارتباط بیشتری با او برقرار کنند. این درست خلاف باور پزشکان است که بیشتر تصور می کنند زنان به پزشک زن بیشتر گرایش دارند.

قاضی آلمانی در تجارت زن

۲۸ آوریل، برلین – خبرگزاری رویتر گزارش داد که یک قاضی آلمانی در منزل خود جلساتی ترتیب می داده که طی آن زنان را به خود فروشی ترغیب می کرده است. یک تن از شهود که دختری از کشور اسلواکی بود، در دادگاه گفت که سرانجام از" شکنجه ی جنسی" خودداری کرده است. این قاضی در شبکه اینترنت به تبلیغ برای دختران می پرداخته و هر زن تا ۷۵۰ اویرو برای او درآمد داشته است. اوبه روزنامه "بیلد" گفته است که دختران را وادار به خودفروشی نکرده است اما می تواند درک کند چرا حق قضاوت از او سلب گشته است.

با ابراز محبت سپاسگزاری ممنوع

۲۴ اوریل، تهران – رویتر از محکومیت گوهر خیر اندیش، هنرپیشه ایرانی، به ۷۴ ضربه شلاق به خاطربوسیدن صورت فیلمساز جوانی از فرط شادی به هنگام اهدای جایزه گزارش داد.
علی زمانی که شاگرد شوهر فوت شده خانم خیراندیش می باشد، در پاسخ به اعتراضات جماعت حزب الله، این "جنایت " که ابراز احساسات از فرط شادی بوده است را مادرانه خوانده بود. اما در جمهوری ارتجاع که به قول شاعر بزرگ شاملو" دهانت را می بویند مبادا گفته باشی دوستت دارم". ابراز محبت مجازات شلاق دارد.

در دولت سکولار تظاهر به ایدئولوژی ممنوع است

۲۳ آوریل، آنکارا – بنابه گزارشی از رویتر، رئیس جمهور ترکیه وفرمانده ارشد ارتش قدرتمند آن، شرکت درمراسم سنتی روز بنیانگذاری پارلمان ترکیه را به این دلیل که انتظار می رفت همسر سخنگوی پارلمان با پوشیدن روسری در آن شرکت کند، تحریم کرده ودر آن شرکت نکردند. این حرکت اختلاف بین حزب حاکم اسلام گرا و سکولاریست ها را حادتر کرد.
به هر جهت خانم آرینک هم برای جلوگیری از تشدید اختلافات در این مهمانی شرکت نکرد.
در کشور ترکیه اگر چه بسیاری از زنان از پوشش اسلامی استفاده می کنند اما استفاده از آن در ادارات دولتی ممنوع می باشد. این حرکت که از نمادهای دولت سکولار می باشد، تظاهر به هرگونه ایدئولوژی را در مراکز دولتی ممنوع اعلام می کند. جدائی دین از دولت و رعایت اصول و پرنسیب های آن از جمله مواردی است که دولت ترکیه دراجرای آن جدیت نشان می دهد.

لیست "پرواز نه" آمریکا

۲۲ آوریل، سانفرانسیسکو- خبرگزاری رویتراز شکایت دو زن به دادگاه علیه دولت آمریکا گزارش داد. این دو زن انتشاردهندگان مجله ای هستند که سیاست" جنگ علیه تروریسم " ایلات متحده آمریکا را به انتقاد گرفته است. آنها ادعا کرده اند که خود و صد ها نفر دیگر در لیست " پرواز نه" FBI قرار داده شده اند، که در نتیجه آن، پلیس انان را در فرودگاه دستگیر و مورد بازجویی قرار داده است.

فراخوان سازمان ملل در کنیا

۷ مه، سازمان عفو بین الملل طی فراخوانی از وضع اسفناک زنان در کنیا گزارش داده و از همه فعالان حقوق بشر خواسته است نامه های اعتراض آمیز خود را به مقامات مسئول ارسال دارند. در این فراخوان آمده است: زنان در این کشور هر روزه به طور فیزیکی و جنسی مورد ستم قرار می گیرند. در بین گروه های اجتماعی و قومی، تجاوز به زنان رواج بسیاری دارد. این جنایات در جامعه اغلب مسکوت گذارده می شوند. اکثر زنان برای درخواست کمک و یا مجازات تجاوزگران اقدامی نمی کنند، زیرا تحت سیستمی زندگی می کنند که به این اعمال بی توجهی نشان داده، تکذیب و یا حتی مشوق آنهاست. به عنوان مثال پلیس و افراد شخصی از تجاوزگران دفاع می کنند. دولت کنیا قرارداد لغو هر گونه ستم علیه زنان سازمان ملل را امضاء کرده است و ازاین رو مسولیت حمایت برابر از زنان را به عهده دارد. این سازمان خواسته است که با نامه های اعتراض آمیز به دادستان کل کنیا، ۳ مورد زیر را خواستار شوند:
– تجاوز در زناشویی ، در زمره جرم جنائی شمرده شود.
– اعلام علنی موارد ارتکاب خشونت علیه زنان از جانب هر کس.
– بررسی تمامی شکایات زنان وتنبیه همه کسانی که مرتکب این جنایت شده اند.

Send your letters to:
Mr. Amos Wako
Office of the Attorney General
State Law Office
Harambee Avenue
PO Box 40112
Nairobi, KENYA
Fax: +254 2 315 105

گزارش سازمان ملل در زیمباوه

بنا به گزارش سازمان عفو بین الملل، زنان جوان حتی در سنین ۱۲–۱۳ ساله، در زیمباوه در کمپهای میلیشیا، تحت شکنجه وآزار جنسی قرار می گیرند. این دختران که عموما بی سواد، فقیرو روستائی هستند، از طرفداران اپوزیسیون می باشند. یک زن به مدت ۸ ماه در کمپ جوانان برای حزب حاکم رئیس جمهور ، زندانی شده و در آنجا مورد شکنجه و تجاوز قرار می گیرد و سرانجام مبتلا به بیماری ایدز می گردد. تعداد زنانی که به این سرنوشت دچار شده اند مشخص نیست زیرا آنان شدیدا از گزارش آن در هراس هستند.

حرکتی امیدوار کننده در کنیا

سازمان عفو بین الملل گزارش می دهد که در مناطقی از کشور کنیا، به جای ختنه دختران که وارد کردن دختران به دنیای زن بودن به حساب می آید، مردم تصمیم گرفته اند که با آموزش از طریق دادن اطلاعات و راهنمایی بدین هدف دست یابند. این حرکت در سال ۱۹۹۶ از طرف ۳۰ خانواده در روستای تاراکا آغاز گشت و تا کنون در ۳ منطقه دیگر این کشور رایج گشته است. آنان دختران جوان را برای یک هفته به محل خلوتی دور از دیگران برده و به آنها درسهائی در باره نقش آنان به عنوان زن که شامل تولید مثل، بهداشت،حفظ سلامت،اتکائ به نفس و روش برقراری ارتباط می شود را می آموزند. دختران پس از گذراندن این دوران، طی مراسمی فارغ التحصیل می شوند. با این حال، این کار مورد انتقاد و اعتراض بسیاری واقع گردیده است. عمل وحشیانه ختنه دختران در افریقای شمالی بسیار رایج بوده و طبق یک برآورد، ۱۳۵ میلیون زن تحت این قرار گرفته اند.
برای اطلاعات بیشتر

گزارشی از سازمان نجات کودکان

۶ مه، بنا به گزارش سازمان نجات کودکان، بیشترین ضربه جنگ نصیب مادران و کودکان می شود. این هم به جهت زخمی شدن در دوران

جنگ و هم آوارگی ، مرگ و صدمات روحی پس از آن می شود. در این گزارش آمده است اگر چه مردان در جبهه
بقیه در صفحه ۱۱

www.iran-archive.com

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۰

می جنگند، اما زنان زندگی پر از شکنجه و رنج را متحمل می شوند. این در حالی است که برای حفاظت این انسانها در برابر خشونتهای وارده از جنگ، اقدام جدی صورت نمی گیرد. در میان ۴۰ منطقه جهان که به نوعی درگیری وجود دارد، افغانستان، آنگولا، بروندی، سیریلانکا و جمهوری دمکراتیک کنگو خطرناکترین مناطق برای زنان و کودکان به شمار می آیند. در این کشورها، نزدیک به ۴ میلیون زن و ۶ میلیون کودک زیر سن ۱۵ سال تحت خطرناکترین شرایط زندگی می‌کنند. با اینکه هم اکنون توجهات بیشتر متوجه عراق است، باید به خاطر سپرد که مناطق بسیار دیگری وجود دارد که زندگی در آن و تحت شرایط جنگی برای زنان طاقت فرسا است. در این گزارش ذکر شده است که در جنگ جهانی اول ۹۰ در صد تلفات شامل سربازان بود، اما درجنگهای دهه اخیر، ۹۰ درصد تلفات را مردم غیر نظامی تشکیل می دهند که اکثرا زنان و کودکان هستند. این به دلیل کشیده شدن جنگ به مناطق مسکونی است و نه در جبهه ها. طبق این گزارش، در ۷۰ در صد مناطق جنگی از کودکان استفاده می شود. جدایی کودکان از خانواده، در ۷۰ درصد مناطق و قاچاق زنان و دختران جوان در ۸۵ درصد مناطق دیده شده است.

قتل زنان مکزیکی به منظور استفاده از اجزاء بدن آنان

۶ مه، به گزارش آسوشیتدپرس، مقامات فدرال مکزیک مسولان دولتی را متهم به ایجاد مانع برای تحقیقاتی کردند که پیرامون قتل۱۴زن در "سیوداد هورارس" انجام شده است. گفته می شود که این قتلها به خاطر استفاده از ارگانهای داخلی بدن زنان بوده است. ۹۰ زن تاکنون در این شهر که دارای جمعیت ۱/۳ میلیون نفر است به قتل رسیده اند. پیکر ۱۴نفر زن از این تعداد یافته شده که علائم ربودن اجزاء بدن آنان دیده می شود. طبق نتایج یک پیگرد قانونی، اجزاء بدن زنان به افراد ثروتمند فروخته شده است. کمیسیون حقوق بشر مستقل ملی تعداد ۲۳۲ قتل را گزارش داده اما ماموران دولتی اصرار می ورزند که فقط ۹۰ قتل به هم مرتبط هستند. اکثر این زنان دارای اندامی باریک، موهای بلند و بین سنین ۱۵ تا ۲۰ ساله بوده اند. به آنان قبل از قتل تجاوز شده و سپس به وسیله طناب و یا شکستن گردنشان به قتل رسیده اند

هراس از حکومت اسلامی در عراق

۲ مه، روزنامه نیورک تایمز می نویسد، زنان عراقی در وحشت از اینکه مذهبیون افراطی نقش بزرگی در دولت جدید داشته باشند به سر می برند. تحت حکومت صدام حسین آنان مجبور به پوشیدن چادر یا روسری نبودند و هم اکنون نیز نمی خواهند که آزادی خود را از دست بدهند. برخی از این زنان ترجیح می دهند که آمریکائیها اختیار دولت را در دست بگیرند زیرا معتقدند شانس این که دولت مذهبی نباشد، بیشتر خواهد بود. یک زن در رشته علوم سیاسی در دانشگاه بغداد به خبرنگاران می گوید حتی اگر گروهی از طرف اکثریت مردم رای بگیرد، آمریکا اجازه نخواهد داد یک رهبر مذهبی به قدرت برسد. او می گوید: انتخابات بازیهای شناخته شده ای هستند. رهبران می آیند و می روند اما آمریکا باز هم کنترل عراق، نفت آن و آینده آنرا را در دست خواهد داشت.

رشد فزاینده فرار دختران از خانه

۱۴ مه، پیک ایران - نتیجه یک تحقیق جامعه‌شناسانه نشان می‌دهد:۵۴ درصد دختران فراری دارای پدران بیکار،۴۶ درصد در خانواده‌های دارای سوابق کیفری زندگی می‌کرده،۷۱\۷درصد محروم از داشتن رابطه صمیمانه والدین بوده و سرانجام،۴۸\۳ درصد دارای خانواده هایی با پایگاه اجتماعی پایین بوده‌اند. اگر بپذیریم عدم رابطه صمیمانه والدین غالبا ناشی از فقر و تنگدستی است، ملاحظه می‌شود که تمامی این عوامل ریشه در تنگناهای اقتصادی دارند(روزنامه صدای عدالت). بر طبق بررسی دیگری،«هر ماهه ۴۰۰ دختر گمشده داریم»(هفته نامه جلوه). به عبارت دیگر هر ماهه این تعداد از دختران اقدام به فرار از خانه می‌کنند. هرچند ممکن است تعداد اندکی از آنان نیز ربوده شده و یا بطور ناخودآگاه و توسط باندهای فساد به جمع دختران خیابانی پیوسته باشند. مدیر مراکز نگهداری از دختران فراری، پیرامون این پدیده می‌گوید:«میانگین سن دختران فراری ۹ تا ۱۷ سال است که نشان از وضعیت بحران روحی دختران در این مقطع سنی دارد»(جام جم). آنچه در کشور ما و بویژه در کلان‌شهری چون تهران به‌وضوح دیده می‌شود، مترادف بودن پدیده «فرار دختران» با حرفه «روسپیگری» است. چرا که مراکز نگهداری دختران فراری، تنها امکان نگهداری تعداد اندکی از آنان را آن هم برای مدتی محدود دارند و اصولا هیچ برنامه تدوین شده ای در کشور برای نجات قطعی و همیشگی آنها از روی آوردن به روسپیگری وجود ندارد. نتایج پژوهش مجله «پگاه» تبلیغات اسلامی قم در مورد روسپیان نشان می‌دهد:«در سنین ۱۲- ۹ سالگی ۲ درصد ،۱۶- ۱۳ سالگی ۶۰درصد ،۲۰- ۱۷ سالگی ۶۰ درصد و ۲۰- ۱۶ سالگی ۹۵ درصد روسپیان ،روسپیگری را آغاز کرده‌اند. مضاف برآنکه ،وارد شدن کودکان ۱۲- ۹ ساله به جرگه زنان خیابانی ،موجب آموزش ایدز از دوران دبستان شده است.

انتشار ماهنامه توسط همسر رحیم صفویی

جنگ صدا - همزمان با تشدید فشارهای ضد فرهنگی بر بانوان و دختران، همسر سرکرده ی سپاه پاسداران، رحیم صفوی دست به انتشار یک ماهنامه برای دختران زد. در این ماهنامه هنجارهای واپس گرایانه توضیح داده شده و لیست ممنوعیتهای حکومت علیه دختران برشمرده گردیده است. همسر رحیم صفوی، خندیدن، ورزش، شادی، رقص و حتی نگاه شاعرانه را حرام دانسته و شایسته ی مجازات معرفی کرده است.

مجازات اوباش به دست دختران خرم آبادی

جنگ صدا - در پی ایجاد مزاحمت برای دختران توسط گزمه های حکومت، شماری از دختران خرم آبادی، اوباش حزب الهی را تنبیه کردند. این افراد که بر سلب حق زندگی عادی بانوان و دختران، "نهی از منکر" نام گذاشته اند، به سختی به مجازات رسیده و درسی فراموش ناشدنی در زمینه ی پیامدهای ایجاد مزاحمت برای دختران گرفتند. در همین رابطه مقامات محلی حکومت که آشکارا از مقاومت دختران به هراس افتاده و نگران اقتدار سرکوبگرانه ی خود هستند، با انتشار اعلامیه ای به تهدید آنان برخواسته و اقدامات شدید تری را وعده داده اند.

محدودیت تحصیل برای دانشجویان دختر

19 آوریل، بنا به گفته رئیس سازمان آموزش کشور، طرحی که پذیرش دختران در دانشگاه، بویژه در رشته های کشاورزی، زراعت، آبیاری، باغبانی، ماشین آلات کشاورزی، مهندسی مواد، مهندسی معدن، پزشکی و فیزیو تراپی را با یک محدودیت ۵۰ درصدی روبرو خواهد ساخت، مورد بررسی قرار داده شده است. هم اکنون در این رشته ها، پذیرش دانشجوهای دختر به بیش از ۷۰ درصد رسیده است. . دکتر سعید پیوندی در پاسخ به این سوال که چه عواملی باعث مطرح شدن چنین طرحی شده است می گوید، ما در ایران شاهد رشد بسیار سریع شمار دختران دانشجو بوده ایم. در آستانه انقلاب حدود ۲۷ درصد دانشجویان ایران را دخترها تشکیل میدادند این رقم هم اکنون به ۵۰ در صد رسیده است. . در سه سال گذشته به طور متوسط حدود ۵۷ درصد قبول شدگان کنکور سراسری را دخترها تشکیل می دهند درحالیکه ۲۰درصد رشته های دانشگاهی در بخشهای مهندسی، مدیریت یا علوم قضایی به کلی دانشجوهای دختر نمی پذیرند. به این ترتیب می توان گفت که با وجود تبعیض آشکاری که درمورد دخترها اعمال می شود، آنها می توانند با شایستگی بیشتری هرسال بخشهای مهمتری از ظرفیت دانشگاهها را به خود اختصاص بدهند. دخترها طبق مطالعاتی که شده، هم در دوره دبیرستان و هم در دوره راهنمایی، بیشتر از پسران موفق می شوند و همین هم باعث می شود که بخش بزرگی از دانش آموزان دوره های پیش دانشگاهی دختر باشند و در نتیجه در کنکور سراسری هم بیشتر از پسران قبول شوند. محتوای این طرح در واقع یک چیز تبعیض آمیز و امتیازی برتری برای پسرها است. در شرایط کنونی هم امتیازات پسرها از دخترها بیشتر است. این اعمال تبعیض نتایج منفی بیشتری را ببار خواهد آورد.

پیروزی زنان فنلاندی

زنان اکنون در بسیاری از نقاط جهان حق شرکت در انتخابات را دارند و حتی می توانند کاندیدای پست های مختلفی باشند. اما به نظر می رسد زنان در فنلاند توانسته اند رکورد حضور زنان در راس حکومت و دولت را بشکنند. پیروزی زنان فنلاندی در انتخابات ۱۶ مارس بسیار چشمگیر بود و زنان توانستند ۶۵ صندلی از ۲۰۰ کرسی مجلس را به خود اختصاص دهند و اکنون در واقع ۳۸ درصد مجلس این کشور متعلق به زنان است. پس از انتخابات، تارجا هالونن رئیس جمهور فنلاند خانم آنلی جاآتینماکی رئیس حزب مارکز پیروز انتخابات را به سمت نخست وزیری برگزید. در کابینه جدید، هشت وزیر از حزب مارکز، هشت وزیر از حزب سوسیال دموکرات و دو وزیر از حزب لیبرال خلق سوئد جای دارند. با این وضعیت فنلاند اولین کشوری است که رئیس جمهور، نخست وزیر و همچنین سخنگوی دولت اش متعلق به بانوان است.

www.iran-archive.com

بحران انقلابی، مرکز ثقل تحول و سه خط مشی مختلف (۳- قسمت آخر)

مهدی سامع

برگرفته از پایگاه اینترنتی دیدگاه

توضیح: هدف من از نوشتن این مقاله همانطور که در ابتدا هم متذکر شدم نقد بعضی از تزهای مطرح شده در مقاله آقای علی ناضر تحت عنوان «مجاهدین خلق- امر به وظیفه یا امر به نتیجه» بود. علی ناظر در مقاله خود گفته بود که: «پیش فرضها و تاکتیکهای بیان شده در یادداشتهای پیشین بر این مبنا استوار هستند که امریکا به عراق حمله خواهد کرد.» وی در یکی از مهمترین تزهایش گفته است: «به نظر نگارنده نظام جمهوری اسلامی به سوی یک پایه شدن در حرکت است. این یک پایه شدن با تصفیه نیروهای غیرخودی شروع شده و تا بالاترین ارکان و منصبها پیش خواهد رفت.» وقتی من در حال نوشتن این بخش از مقاله بودم، بحثهای مربوط به طرح «جبهه همبستگی» در آبانماه سال گذشته پیش آمد. موضوع حمله به عراق با کش و قوسها و گمانه زنیهای گوناگون سبب انتشار انبوهی از تحلیلها و پیش بینیها شد و من ترجیح دادم مدتی صبر کنم و سپس این بخش آخر مقاله را با توجه به روشن شدن نسبی چشم انداز عراق تکمیل کنم. اکنون که جنگ در عراق پایان یافته و مواضع و عملکرد جریانهای گوناگون در این مورد روشن و تاثیر این رویداد بر هر یک از جریانهای مهم اجتماعی مشخص شده است، می توان به بحث اصلی یعنی چشم انداز تحولات در ایران، که جنگ در عراق بر آن سنگینی می کرد پرداخت.

۴-مرکز ثقل تحول، سه خط مشی و چشم انداز

در یک بحران انقلابی نیروهای گوناگون با منافع و جهتگیریهای مختلف تلاش می کنند تا با بحران در جهت منافع و سمتگیری خود تعین تکلیف کنند. در چنین حالتی سیاست به معنی دقیق آن(علم قدرت و حکومت) و اتخاذ خط مشی سیاسی و تاکتیک به اولین تکلیف هر نیروی سیاسی تبدیل می شود. در اتخاذ خط مشی سیاسی هم، شناخت و تعین مرکز ثقل تحول نقش تعیین کننده دارد.

الف-مرکز ثقل تحول

منظور از مرکز ثقل تحول این است که بستر یک تحول سیاسی معین چیست، و این تحول به طور عمده با صف بندی کدام نیروهای اجتماعی و بر محور کدام تضاد به طور عمده شکل می گیرد.

در گذشته ی جنبش ما، این مساله با بحثهای داغ و گسترده ای همراه بوده که در بسیاری موارد از لحاظ تئوریک با آن تعین تکلیف نشده است.

به طور مثال، این که در دوران سلطنت پهلوی(اول و دوم) تضاد عمده با دیکتاتوری شاه بوده و یا با امپریالیسمی که دستگاه سلطنت وابسته به آن بود و یا با طبقه بورژوازی و یا فئودالیسم، موضوع بحثهای پر دامنه ای بود. خوانندگان این مقاله می توانند با مراجعه به کتاب ارزشمند رفیق بیژن جزنی تحت عنوان «نبرد با دیکتاتوری شاه به مثابه دشمن عمده...»، که هنوز هم از ارزش تئوریک مهمی برخوردار است مراجعه کنند.

اکنون نیز این مساله نقش مهمی در اتخاذ خط مشی و تاکتیک سیاسی دارد که هر نیروی جدی به ناچار در یکی از دو صف بندی زیر قرار می گیرید.

صف بندی اول بر باور است که مرکز ثقل تحول بر اساس تضاد بین اکثریت مردم ایران با دستگاه حکومتی است. این حکومت با هر اسمی که نامیده شود، مشخصه اصلی آن استبداد مذهبی مبتنی بر ولایت فقیه است. بر اساس این نظر برای حل بحران کنونی به سود مردم راهی در درون حکومت وجود ندارد، و بنابرین تغییر استبداد مذهبی به یک نظام دمکراتیک و سکولار که به ناچار جمهوری خواهد بود اولین گام برای رهایی مردم است. تجربه ۲۴ ساله مبارزه با نظام حاکم بر ایران نشان داده که این تغییر از طریق مسالمت آمیز امکان پذیر نیست، اما مسالمت آمیز بودن تغییر و یا قهرآمیز بودن آن نسبت به موضوع اصلی یعنی «غیر قابل اصلاح بودن رژیم و ضرورت تغییر آن» اهمیت ثانوی دارد. همه کسانی که به اصل موضوع باور جدی داشته باشند و مرزی قاطع با اندیشه تغیر از درون حکومت داشته باشند در این صف بندی قرار می گیرند و به طور عینی و در عمل متحد هستند. کانون این تحول دمکراتیک از نظر اجتماعی شهرهای بزرگ ایران و در راس آن کلان شهر تهران است.

صف بندی دوم مرکز ثقل تحول را در درون حکومت و از طریق جدالهای درونی آن می داند و بر این باور است که با «فشار از پایین و چانه زنی در بالا» می توان بر بحران غلبه کرد. بر اساس این نظر که افرادی همچون سعید حجاریان و شرکا مروج و مبلغ آن هستند، باید ولایت فقیه را مشروط به قانون کرد. برای مثال به این نظر توجه کنید: «مزیت بزرگ ساختار قدرت در جمهوری اسلامی نسبت به رژیم آریامهری آن است که این رژیم الترناتیو خود را در دل خود می پرورد نه در مقابل خود.....سیر رویدادهای جاری کشور بیشتر تحت تاثیر مبارزه جناحهای در حکومت است یا ناشی از مبارزه میان نیروهای حکومتی با غیر حکومتی؟» (فرخ نگهدار-نشریه کار-شماره۲۷۲-۱۹آذر۱۳۸۰)

البته سیر رویدادها و به خصوص نتیجه انتخابات دومین دوره شوراهای اسلامی اعتبار این نظریه را به طور اساسی زیر سوال برده و در نیروهای موجود این صف بندی، انشعاب و انشقاق ایجاد شده است.

ب-سه خط مشی مختلف

در شهریور ۱۳۷۰ من مقاله ای تحت عنوان«ما و سه جریان اجتماعی جامعه ایران» نوشتم که در شماره ۷۷ نبرد خلق(اول مهر ۱۳۷۰) به چاپ رسید. در آن مقاله که نکات اصلی آن اکنون نیز مورد قبول من می باشد، گفته شده که تاریخ ایران در صد سال گذشته عرصه مبارزه و چالش سه جریان بزرگ اجتماعی بوده که در تمام تحولات بزرگ نمایندگان خاص خود را به شکل سازمانها، نهادها، و شخصیتهای سیاسی داشته است. این سه جریان اجتماعی را می توان(البته نه به شکل دقیق) به صورت ارتجاع مذهبی، جریان وابسته گرا، و جریان ترقیخواه نامگذاری کرد. پایه اجتماعی-طبقاتی و نحوه تنظیم مناسبات بین المللی این سه جریان از هم متمایز است، اما در سیر تحولات بستگی به آن که کدام یک از این سه نیرو در قدرت سیاسی قرار داشته و تضاد عمده جامعه چه بوده رابطه این سه جریان شکل گرفته است. به طور مثال در دوره اول نخست وزیری زنده یاد دکتر محمد مصدق که تا ۳۰ تیر ۱۳۳۱ طول کشید، نیروهای ترقیخواه به رهبری مصدق با نیروهای ارتجاعی مذهبی به رهبری ایت الله کاشانی متحد و همسو بودند، در حالی که در دور دوم نخست وزیری مصدق، جریان ارتجاعی به جبهه نیروهای وابسته گرا به رهبری محمد رضا شاه پیوست.

در شرایط کنونی نیز این سه جریان که هر یک متشکل از سازمانها و شخصیتهای گوناگون است به شکل تکامل یافته و با برنامه و شعارهای کاملا متمایز در یک چالش سرنوشت ساز با هم هستند.

ب۱-جریان ارتجاع مذهبی متکی بر تجارت سوداگرانه

هدف اصلی این جریان که کانون رهبری کننده آن در شرایط کنونی دفتر خامنه ایست ایجاد «حکومت عدل اسلامی» در ایران و ایجاد «اتحاد جماهیر کشورهای اسلامی» به عنوان یک بلوک جهانی است. این هدف که البته برای گرم نگهداشتن تنور جنگ انحصارات تسلیحاتی و دمیدن در جنگ صلیبی بسیار کارساز است، در کشور ما به یمن مبارزه دوران ساز مردم و مقاومت ایران، حداقل در چشم انداز قابل تحلیل غیر قابل تحقق شده است. در حقیقت پس از شکست بلوای مکه و از همان هنگام که در تنور جنگ طلبی خمینی گل گرفته شد و خمینی مجبور به نوشیدن جام زهر آتش بس شد، این هدف از دستور کار این جناح خارج و پس از مرگ خمینی و شروع دوران انتقال «حفظ وضع موجود، خنثی کردن تلاشها برای سهم خواهی در ولایت و مهار، کنترل و نابودی اضداد ولایت» به عنوان هدف این جریان انتخاب شد. پایگاه اجتماعی-طبقاتی اصلی این جریان بازاریان سوداگر(تجار محترم) و روحانیون بنیادگرا همراه با باند های مافیایی و لومپنهای دست پرورده «اسلام عزیز» می باشد. اوج قدرت این جریان که در ضمن نقطه آغاز سیر افول آن نیز هنگامی بود که «طرفداران ذوب در ولایت» به هیچ یک از خواسته های رفسنجانی در انتخابات دوره پنجم مجلس ارتجاع تن ندادند. دوم خرداد سال ۱۳۷۶ و برآمد خاتمی وضعیت را برای این جریان به نقطه غیر قابل بازگشت رساند. شعار اصلی این جریان در شرایط کنونی «امنیت و حفظ قداست ولی فقیه» است. تاکتیک اصلی این جریان «سرکوب و توطئه» است که هم به وسیله ارگانهای رسمی سرکوب و هم به وسیله ارگانهای غیر رسمی که در دفتر خامنه ای هماهنگ می شود پیش برده می شود. جمعیت مؤتلفه اسلامی، دانش آموختگان مدرسه حقانی، انجمن حجتیه، روحانیت مبارز، بخش اصلی مدرسین حوزه علمیه قم، باند آخوندهای عراقی وابسته به حزب الدوه عراق (که به پرو انگلیس معروف هستند-به مقاله عزت عبدالطیف در مجله لبنانی الشراع، شماره ۸۱۲، ژانویه ۱۹۹۸ مراجعه کنید-ترجمه این مقاله در نبرد خلق چاپ شده است) همچون سید محمود هاشمی شاهرودی(رئیس قوه

بقیه در صفحه ۱۳

www.iranarchive.com

بحران انقلابی

بقیه از صفحه ۱۲

قضائیه)، محمدی گلپایگانی(رئیس دفتر ولی فقیه)، محمد علی تسخیری(رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی) و... گروهبندیهای سیاسی اصلی این جریان هستند. تجارت سوداگرانه، بنیادهای زیر کنترل ولی فقیه، منجمله بنیاد مستضعفان و تولیت استان قدس رضوی، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، بخش عمده نقدینگی بخش خصوصی، بخش مهمی از تجارت خارجی، همراه با بودجه دولتی که به نهادهای مختلف این جریان تعلق می گیرد به اضافه رانت خوارای بدون کنترل از طرف اشخاص و سازمانهای سیاسی و نظامی رسمی و غیر رسمی و..... قدرت و پشتیبان اقتصادی این جریان است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی با محور قرار دادن اصل ولی فقیه که بر طبق یکی از مواد همین قانون اساسی غیر قابل تغیر است، همراه با اختیارات قانونی و فرا قانونی که خود قانون اساسی آن را تعین و تثبیت کرده، سپردن فرماندهی نیروهای نظامی و انتظامی همراه با تسلط بر صدا و سیما و قوه قضائیه قدرت سیاسی قانونی این جریان را مشخص می کند.

با وجود این همه قدرت بلامنازع، آیا ولی فقیه و جریانهای همگون با آن قادر خواهند بود که همچون خمینی تضادها و بحرانها را در جهت حفظ ثبات رژیم مدیریت کنند؟ به نظر من عمق و وسعت بحران انقلابی و معلول بلاواسطه آن، یعنی تشدید تضاد در درون حکومت به اضافه ضعف شخصی ولی فقیه باعث آن شده که این جریان نتواند ابتکار عمل را برای غلبه بر بحران در دست گیرد. این حقیقتی است که قبای ولی فقیه برای خامنه ای بسیار گشاد است و من بر این نظر بوده و هستم که عقب نشینی خامنه ای و تن دادن او به خاتمی، علیرغم اعلام سرسپردگی خاتمی به ولایت خامنه ای، آغاز شمارش معکوس برای ولایت فقیه بوده است.

ب۲-جریان وابسته گرا

در ابتدا باید بگویم که کلمه «وابسته گرا» نمی تواند این جریان را کاملا توضیح دهد. تلاش و خط مشی جریان مورد بحث که سابقه تاریخی طولانی در ایران در طی چند قرن گذشته دارد بر این اساس است که کشور ما نمی تواند به طور مستقل و در همبستگی آگاهانه، دموکراتیک و برابر وارد مناسبات با جهان خارج شود و بنابراین اینان به میزانی از سلطه بیگانگان و پیرامونی شدن ایران دفاع کرده اند. اوج قدرت این جریان در ایران در سالهای پایانی حکومت محمد رضا پهلوی بود و انقلاب بهمن ۱۳۵۷ یگ ضربه به این جریان به ویژه در زمینه سیاسی بود. ماهیت ارتجاعی و قرون وسطایی قدرت سیاسی پس از انقلاب مانع از آن شد که مسیر مبارزه آزادیبخش مردم ایران برای مشارکت آگاهانه، دمکراتیک و برابر مردم ایران در سیستم جهانی تحقق یابد.از اینرو در درون رژیم جمهوری اسلامی، در پیرامون آن و در جامعه همواره جریانهای سیاسی-اجتماعی وجود داشته که خواستار پیرامونی شدن ایران بوده و هستند. طرفداران نظام سابق که در شرایط کنونی و با توجه به اشغال عراق و استقرار نیروهای آمریکا در این کشور، بیشترین شانس را برای به قدرت رسیدن مجدد برای خود پیش بینی می کنند. با تفاوتهایی در این جبهه قرار دارند. در شرایط کنونی نیروهای اصلی جبهه دوم خرداد به همراه متحدان داخلی و برون مرزی آنها مدافع این نظر هستند که می خواهند با کمک عوامل بین المللی و با تکیه بر قانون بر بحران غلبه کنند. سعید حجاریان استراتژی و تاکتیک این جریان را این گونه توضیح می دهد: «من ذیل استراتژی مشروطه خواهی می توانم از تاکتیکهای زیر نام ببرم: اعتدال، ارامش فعال، بازدارندگی فعال، خروج از حاکمیت، فشار از پایین و چانه زنی در بالا و رویگردانی اجتماعی. همه اینها این تاکتیکهایی هستند که ذیل استراتژی مشروطه خواهی قرار می گیرند» (مجله افتاب- شماره ۱۲- بهمن ۱۳۸۰)

در لحظه کنونی همه ی فشار این جریان به کرسی نشاندن ۲ طرح خاتمی است، که با توجه به رد آن توسط شورای نگهبان تحت امر خامنه ای، طرح موضوع خروج از حاکمیت و یا رفراندوم به مثابه ابزار فشار از طرف این جریان مطرح شده است.

ماده اصلی این دو طرح که، به هیچوجه در جهت دمکراتیزه کردن جامعه نیست، عبارت از حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان و بالا بردن اختیارات رئیس جمهور برای متوقف کردن بعضی از احکام بی دادگاههای حکومت است. روز سه شنبه ۲۶ آذر جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی که اصلیترین جریان مدافع خاتمی است، بیانیه‌ی پایانی کنگره‌ی فوق‌العاده‌ی خود را صادر کرد. در این بیانیه آمده است که: «به نظر این حزب «بهترین برنامه‌ی اصلاحات» یعنی «پیشبرد تصویب لوایح دوگانه‌ی رییس‌جمهور» است» در این بیانیه گفته شده: «توقیف یا رد این لوایح به معنای انسداد در ساز و کارهای قانونی موجود است و به معنای قفل ماندن اداره‌ی امور تلقی می‌شود. ما معتقدیم رد این لوایح جامعه‌ی سیاسی را وارد فضای جدیدی خواهد کرد که ابعاد آن چندان قابل پیش‌بینی نیست».

این نکته را هم باید اضافه کرد که نقطه قوت و نیروی پشتیبان این جریان نه «پائینیها» بلکه سیاستهای بین المللی است که در شرایط پس از جنگ در عراق و مشخص شدن این امر که ابتکار سیاست خارجی در مسایل اساسی در اختیار ولی فقیه است، کارایی آن برای این جناح به شدت کاهش یافته است.

از نظر دار و دسته ولی فقیه جریان دوم خرداد قادر به اتخاذ تاکتیک خروج از حاکمیت و یا مدیریت رفراندوم نیست و بنابرین جریان ولی فقیه با در دست داشتن اهرم دیپلماسی در این شرایط حساس که امکان زد و بند های فراوان را برای آنها فراهم نموده، در صدد است تا در صورت خنثی کردن نیروهای سازمان مجاهدین خلق در عراق، دوم خردادیها را به تسلیم کامل مجبور کند.

این طرح از مدتها قبل تدوین و برای اجرا در یک فرصت مناسب تدارک دیده شده است. برای نمونه روز یکشنبه ۲۴ اذر ۱۳۸۱ حسین شریعتمداری در مورد آینده ی دوم خردادیها گفت:«اتفاق مهمی که قطعا در آینده نزدیک رخ خواهد داد، ریشه در افشای چهره واقعی خط نفاق جدید دارد و این اتفاق، پالایش کشور از حضور این خط نفاق است که این پالایش، به احتمال زیاد با تنش هایی همراه خواهد بود.» وی در مورد هزینه این «پالایش و تنشها» می گوید: «این تنش‌ها اگر چه آسیب‌هایی در پی خواهد داشت ولی هزینه‌ای که پرداخت می‌شود، به نتیجه مثبت آن می‌ارزد.»

بدین سان تجربه دوم خردادیها همچون بسیاری از تجربه ها نشان داد که در چارچوب نظام ولایت فقیه و بر اساس قوانین آن امکان هیچگونه رفرم و اصلاح وجود ندارد. بنابرین وقتی فرخ نگهدار در پاسخ سوال«مبارزه قانونی، آری یا نه» با قاطعیت پاسخ می داد که:«یگانه راه تغییر قانون از راه مسالمت آمیز اجرای قانون است. ما تصریح می کنیم که ما خواهان اصلاح قوانین از طریق قانونی هستیم و راهی جز رعایت قانون برای تغییر آن نمی شناسیم.»(کار اکثریت- شماره ۲۴۵-۲۵ آبان ۱۳۸۰) لابد پیش بینی می کرد که گام به گام و از طریق اقدامات قانونی جریان دوم خرداد، پروسه اصلاحات حکومتی در چارچوب قانون اساسی نظام ولایت فقیه پیشرفت می کند. بعید است که فرخ نگهدار و همه کسانی همچون او که به دنبال سیاست دنباله روی از دوم خردادیها بودند، شهامت این را داشته باشند که به کنه دیدگاه و سیاست انحرافی خود اعتراف کنند.

نکته مهمتر این که تلاش دوم خردادیها برای ضربه زدن به مقاومت ایران و مجاهدین خلق، آنها را در تعادل قوا نه فقط قویتر نکرده، بلکه دست دستگاه ولایت فقیه برای خنثی کردن دوم خردادیها را بازتر کرده و در صورت پیشرفت ساخت و پاخت دستگاه ولی فقیه در عرصه بین المللی(امری که به نظر می رسد بسیار بعید باشد)، دست ولی فقیه برای خنثی کردن این جریان بسیار بازتر خواهد شد.

ب۳- جریان ترقیخواه و دمکراتیک و متکی بر نیروهای اجتماعی پیشرو

تاریخ کشور ما طی صد سال گذشته سرشار از تلاشها و جانبازیهایی باهدف ایجاد ایرانی دمکراتیک، پیشرو، توسعه یافته، مدرن و متکی بر روابط برابر در مناسبات بین المللی بوده است.

از مبارزان و مجاهدان صدر مشروطه تا اولین مدافعان سوسیالیسم و کمونیسم در ایران، از جنبش ملی شدن نفت تا پیکار سازمانهای مدافع جنبش مسلحانه در سالهای پایانی رژیم گذشته، از صدها تشکل توده ای تا قیام علیه رژیم سابق و سرانجام از پیکار سترگ ملیونها زن و مرد ایران زمین علیه استبداد مذهبی حاکم بر ایران که مقاومت سازمانیافته در محورآن قرار دارد، پیشینه و تاریخ این جریان را می سازد که هم اکنون نیز جاریست.

پایه اجتماعی جریان سوم را کارگران و مزدبگیران، اکثریت قاطع کارمندان نهادهای دولتی و کارکنان شرکتهای دولتی و خصوصی ، پیشه وران و تولید کنندگان خرد، معلمان و استادان، دانشجویان و دانش آموزان و روشنفکران پیشرو تشکیل می دهد که در آن زنان به علت آپارتاید جنسی حاکم، نقشی بسیار مهم دارند.

در شریط کنونی هدف این جریان که طیفی گسترده از نیروها و جریانهای اجتماعی با اعتقادات متنوع و گوناگون را تشکیل می دهد، بر انداختن نظام جهل و جنایت ولایت فقیه و نابودی استبداد مذهبی حاکم و استقرار یک نظام سکولار و دمکراتیک مبتنی بر جمهوری است.

در شرایط کنونی در درون این جریان دو گرایش وجود دارد که با هم همسو هستند.

گرایش اول بر سرنگونی نظام حاکم بر ایران از طریق قهر آمیز و استقرار یک دولت انتقالی به منظور برگزاری انتخابات مجلس موسسان برای انتقال حاکمیت به مردم اعتقاد دارند. نیروی اصلی جریان سرنگونی خواه، شورای

بقیه در صفحه ۱۴

www.iran-archive.com

بحران انقلابی

بقیه از صفحه ۱۳

ملی مقاومت ایران است که با تاکید بر اصل سرنگونی و دفاع از دمکراسی، سکولاریسم و جمهوری از ایجاد «جبهه همبستگی ملی» به عنوان ابزار ضروری این امر دفاع می کند و مساله دیگر پیرامون مناسبات بین نیروهای تشکیل دهنده این جبهه و نوع سازماندهی دوران قبل از سرنگونی و دوران انتقال را به مذاکره بین نیروهای تشکیل دهنده این جبهه واگذار کرده است. از نظر این گرایش باید از عوامل خارجی و بین المللی به شرط حفظ استقلال و مدیریت اصولی و مبتنی بر معیارهای شناخته شده بین المللی استفاده کرد.

گرایش دوم بر انتقال «مسالمت آمیز» از نظام ولایت فقیه به یک نظام مردمی از طریق «رفراندوم» است. برای مثال اقای عباس امیر انتظام در پیام نوروز ۱۳۸۲ خود می نویسد:«اکنون باید با همه توان در اندیشه چاره و حل معضل بزرگ اجتماعی خود با شیم. تنها راه مسالمت آمیز و خردمندانه برای برون شد از بحران دامنگیر کنونی، برگزاری همه پرسی در باره "ادامه حکومت مذهبی یا استقرار حکومت مردم‌سالار" با اعمال نظر همه مردم، تحت نظارت سازمان ملل متحد می‌باشد.»

تاکتیک این گرایش «نافرمانی مدنی» است.

معلوم است که پارامتر فشار خارجی نقش مهمی در خط مشی هر دو گرایش دارد که البته تا جایی که به دخالت مستقیم و تصمیم گیری نیروی خارجی برای مردم ایران منجر نشود، امری مثبت و قابل دفاع است و در صورتی که به طور جدی و با شرایطی که ذکر شد به عمل تبدیل شود، به سود مردم ایران و نیروهای ترقیخواه است.

به گمان من جریان ترقیخواه کشور ما که طیفی گسترده از نیروها، افراد و جریانها و سیاسی اجتماعی با اعتقادات متنوع و گوناگون است در مقابل یک وظیفه مهم و تاریخی در این لحظات حساس قرار گرفته اند که ملزم به پاسخ مسئولانه، مدبرانه و آینده نگر هستند.

ج- چشم انداز

بررسی رویدادها و سیر حوادث در جامعه ایران و در منطقه و به ویژه پس از استقرار نیروهای نظامی آمریکا در عراق ۳ سناریو اصلی و مهم را در چشم انداز قرار می دهد.

ج۱- مدیریت بحران به وسیله باند ولی فقیه همراه با ساخت و پاخت بین المللی برای تحقق این امر باند خامنه ای – رفسنجانی باید به اهداف زیر دست یابند.

اول- جنبش اجتماعی مردم ایران را کنترل و یا سرکوب کنند.

دوم- از طریق ساخت و پاخت بین المللی، نیروهای مجاهدین در عراق، و به ویژه رهبری و مسئولان آنها را حذف فیزیکی کنند.

سوم- نیروهای دوم خردادی به اشکال قانونی و غیر قانونی از صحنه خارج کنند.

چهارم- ظرفیت آن را داشته باشند که ضمن حفظ حاکمیت، به طرفهای خارجی امتیازهای مورد درخواست را بدهند.

تمام قرائن و شواهد نشان می دهد که دستگاه ولی فقیه، در بحران انقلابی موجود ظرفیت و توان سیاسی، ایدئولوژیک، نظامی، اجتماعی و بین المللی حل مجموعه این مسایل را ندارد و بنابرین بر خلاف نظر آقای علی ناظر که معتقد است:«نظام جمهوری اسلامی به سوی یک پایه شدن در حرکت است. این یک پایه شدن با تصفیه نیروهای غیرخودی شروع شده و تا بالاترین ارکان و منصبها پیش خواهد رفت.»، من بر این باورم که روزگار پروسه ای که از دوم خرداد سال ۱۳۷۶ برای نظام ولایت فقیه آغاز شده بود، با جنگ در عراق و پیروزی نیروهای ائتلاف در ابعاد کلان تشدید شده و از این رو این سناریو احتمال تحقق ندارد.

ج۲- دخالت مستقیم خارجی و اعمال حاکمیت از بالای سر مردم ایران

این سناریو یکی از احتمالات است و بر روی آن برنامه ریزی و سرمایه گذاری می شود. از انتخاب جرج بوش، آقای رضا پهلوی برای نقش آفرینی در این سناریو اعلام آمادگی نموده و می تواند متحدان دیگری منجمله در درون و پیرامون حکومت هم پیدا کند.

آقای رضا پهلوی به طور صریح از راه حلی همچون افغانستان و عراق دفاع می کند. وی در پاسخ به سوالهای روزنامه ایتالیایی لا استامپا(شماره چهار شنبه ۱۴ مه ۲۰۰۳) تحت عنوان «برای ایران نیز زمان تغییر فرارسیده است» می گوید: «پس از آزادی افغانستان از حکومت طالبان و سپس سرنگونی رژیم دیکتاتوری صدام حسین در عراق، زمان رهایی ایران نیز فرا خواهد رسید..... برکناری حکومت آیت الله ها، قدم دیگری در مبارزه با تروریسم در جهان که پرزیدنت جرج دبلیو بوش، ۲۴ ژوئن سال گذشته آغاز آن را اعلام کرده بود، است.»

برای تحقق این سناریو، نباید فکر کرد که فقط راه حلی نظامی مد نظر است، هر چند که این راه حل نیز کاملا منتفی نیست. بسیاری از کسانی که معتقد بودند حمله به عراق صورت نخواهد گرفت، بر این اعتقاد بودند که عراق با افغانستان فرق اساسی دارد و حصول پیروزی در آن یا اساسا متصور نیست و یا مستلزم پرداخت هزینه کلان از جانب آمریکا خواهد بود که گردانندگان کاخ سفید حاضر به پرداخت آن نیستند.

هنگام پیروزی نظامی نیروهای ائتلاف نیز بسیاری صحبت از «سازش» صدام و یا «خیانت» به صدام را مطرح کردند و این عوامل را دلیل شکست سریع عراق می دانستند. در حالی که این شکست نظامی قبل از رسیدن نیروهای ائتلاف به دروازه های بغداد و در برابر توان نظامی و تکنولوژیک آمریکا و هنگامی که این نیروها از پس از کربلا از پل فرات گذر کردند صورت گرفت. اولین بمبارانها که با پیشرفته ترین تکنولوژیها هدایت می شد هواپیماهای عراق را زمین گیر کرد.ارتش کلاسیک عراق در هیچ نبرد جدی شرکت نداشت و موشکهای عراق که آن همه برای آن هزینه شده بود بدون کارایی استراتژیک پس از شلیک منهدم می شدند. اصلی ترین نیروهای عراق قبل از این که وارد نبرد شوند، نابود می شدند.در این میان سازش و یا خیانت فرضی تنها حسنی که داشته این بوده که برای طرفین خسارات انسانی کمتری به وجود آورد.

اکنون نیز بسیاری هستند که همان استدلالها را در مورد ایران تکرار می کنند، در حالی که در چارچوب سیاست کلان و استراتژی محافظه کاران جدید آمریکایی، عناصر و راهکارهای جدیدی وارد شده که با نگرش سنتی به مسایل بین المللی قابل توضیح نیست. البته تحقق این سناریو، به هر شکل، چه مداخله مستقیم نظامی و چه اشکال دیگر با چالشها و تنگناهای فراوان مواجه است. اما این نکته را نیز باید مد نظر داشت که به علت تنفر و انزجار گسترده و عمومی از استبداد مذهبی حاکم بر ایران، مداخله امریکا در افغانستان و عراق کمترین واکنش منفی و بیشترین واکنش مثبت را ایجاد کرده است. با توجه به این حقیقت و با توجه به بحران انقلابی موجود، از جهاتی اجرای این سناریو نسبت به افغانستان و عراق سهلتر است. بنابرین گرچه این سناریو نمی تواند منافع مردم ایران را تامین کند، اما اگر مردم ایران فقط و فقط در مقابل انتخاب این راه حل و یا ادامه حاکمیت رژیم جنایتکار حاکم بر ایران قرار گیرند، بدون تردید این سناریو را ترجیح می دهند.

ج۳- سرنگونی رژیم از طریق قیام توده ای با مداخله و رهبری نیروهای ترقیخواه،همراه با استفاده اصولی ازعوامل بین المللی با حفظ استقلال و بر اساس معیارهای شناخته شده بین المللی

این سناریو یکی از چشم اندازهای محتمل در تحولات آتی ایران است که زمینه های عینی مکفی برای تحقق آن وجود دارد.

در شرایط کنونی پاسخ به خواسته ها و نیازهای مردم ایران که از استانه انقلاب مشروطه تا کنون طی جنبشها و قیامهای گوناگون و با جانبازی ملیونها زن و مرد ایران زمین بیان شده، در گرو این است که نیروهای ترقیخواه، عدالت طلب و دمکراتیک کشور ما بتوانند در جنبش مردم ایران علیه استبداد مذهبی ولایت فقیه و برای تحقق یک نظام دمکراتیک و سکولار نقش رهبری کننده و مداخله گر خود را اجرا نمایند. مرزبندی قاطع با رژیم حاکم بر ایران و تمامی دسته بندیهای درون آن، اولین گام در جهت تحقق این امر است. تمامی نیروها و افراد سیاسی و اجتماعی که از مبارزه قاطع با رژیم جمهوری اسلامی دفاع می کنند و هرگونه رابطه و تبلیغ با این رژیم را رد می کنند و هدف آنان استقرار یک جمهوری لائیک و دمکراتیک است، می توانند و باید تمامی تلاشها و کوششهای خود را هماهنگ کرده و برای ایجاد یک جبهه همبستگی که بتواند به نیازهای این مرحله از مبارزه مردم ایران پاسخ گوید با جدیت وارد عمل شوند.

در مقابل این جبهه وظایف مبرم زیر قرار دارد:

اول- هماهنگ کردن تمامی مبارزات مردم ایران که به اشکال مختلف علیه نظام حاکم جریان دارد و مداخله موثر در این مبارزات.

دوم- ارایه یک تصویر و طرح روشن در مورد دوران انتقال پس از سرنگونی رژیم تا انتقال حاکمیت به مردم که از طریق انتخابات مجلس موسسان برای تعین نظام آینده و قانون اساسی ان صورت می گیرد.

سوم- فعالیت گسترده در خارج از ایران و استفاده از همه ی امکانات جهانی(مراجع بین المللی- دولتها- سازمانهای اجتماعی- نهادهای مدافع حقوق بشر- و...) بر اساس حفظ استقلال و رعایت موازین و اسلوبهای شناخته شده بین المللی در جهت هرچه منفرد کردن استبداد مذهبی حاکم بر ایران و گسترش مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم.

به نظر سیاست گذاران دربار خامنه ای حذف فیزیکی سازمان مجاهدین خلق و رهبری آن در عراق، نظام را برای ساخت و پاخت بین المللی همراه با سرکوب داخلی و ادامه حیات توانمندتر

بقیه در صفحه ۱۹

www.iran-archive.com

مقالهء حاضر با عنوان Class, Economy, and the Second Intifada در شمارهء پنجم از دورهء ۵۴ ماهنامهء مانتلی ری ویو (اکتبر ۲۰۰۲) و اندکی پیش از برگزاری انتخابات اخیر در اسراییل چاپ شد. آدام هانیه (Adam Hanieh)، نویسندهء این مقاله، محقق و از فعالین امور حقوق بشر است که در رام اله زندگی می کند. وی در این مقاله تلاش نموده است تا چارچوب کلی اقتصاد سیاسی فلسطین (کشور اسراییل و سرزمین های اشغالی) را ترسیم نماید. لازم است که به این نکته اشاره کنم که در دو-سه مورد تأکید از سوی مترجم به متن مقاله افزوده شده است.

ب. محله

ساختار اقتصادی و طبقاتی فلسطین و انتفاضهء دوم

(۲ – قسمت آخر)

رابطهء میان دولت خودگردان فلسطین و اسراییل

اعمال کنترل بر خلق فلسطین بدون توسل به حاکمیت مستقیم نظامی بر شهرها و روستاهای فلسطین، امری است که به معمای لاینحلی در استراتژی اسراییل در نوار غزه و ساحل غربی تبدیل شده است. هدف از مذاکرات اسلو این بود که مرزها، کالا، اقتصاد و رفت و آمد فلسطینی ها تحت کنترل اسراییل باقی بماند، در حالی که یک دولت خودگردان فلسطینی که مورد قبول اسراییل و ایالات متحده است، کنترل مردم را در داخل در دست داشته باشد. مسئولیت اولیهء دولت خودگردان فلسطین تأمین "امنیت" اسراییل بود، به این معنی که نقش پلیس را برای نیروی اشغالگر بازی کند. این دقیقاً به مفهوم کلاسیک استعمار است که معتقد به دادن آن نوع از "خودگردانی" به بومی هاست که به طور دقیق در چارچوب تداوم سلطه و کنترل استعمارگر (در این مورد اسراییل) محدود بماند.

اقتصاد فلسطین کاملاً در اقتصاد اسراییل ادغام شده و به آن وابسته است. تقریباً ē۷۵ کل واردات ساحل غربی و نوار غزه از اسراییل بوده، و ē۹۵ کل کالاهای صادراتی از این منطقه به مقصد اسراییل روانه است. کنترل کامل تمامی مرزهای این منطقه توسط اسراییل به این معناست که اقتصاد فلسطین نخواهد توانست به آن چه که بتوان به آن روابط بازرگانی اطلاق نمود، با کشور ثالثی ایجاد نماید. ساحل غربی و نوار غزه به شدت به واردات کالا که حدود هشتاد درصد کل تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهد، وابسته است. در این چنین وضعیتی که تولید داخلی بسیار ضعیف و شدت وابستگی به واردات بسیار بالاست، قدرت اقتصادی طبقهء سرمایه دار فلسطین از صنایع داخلی و یا از تولید سرچشمه نمی گیرد؛ بلکه سرشت کمپرادوری دارد. این طبقه به طور عمده از طریق در دست گرفتن امتیاز واردات کالاهای اسراییلی، و کنترل انحصاراتی که به وفاداران به عرفات اعطاء شده است، سود می برد. داشتن رابطهء ممتاز با سرمایهء اسراییلی از ویژگی های بورژوازی فلسطین است. از سال ۱۹۹۳ این بورژوازی با بخش هایی از بورکراسی دولت خودگردان در هم آمیخته و یکی از پایه های اصلی حاکمیت عرفات را تشکیل داده است.

از همان ابتدای روند اسلو، دولت خودگردان فلسطین برای تداوم حیات خویش به اسراییل، ایالات متحده و اروپا وابسته بود. نزدیک به شصت درصد کل درآمد دولت خودگردان فلسطین بین سال های ۲۰۰۰–۱۹۹۵ را مالیات غیرمستقیم بر کالاهای وارداتی به مقصد سرزمین های اشغالی تشکیل می داد که توسط دولت اسراییل اخذ شده بود. این درآمد توسط دولت اسراییل جمع آوری شده و براساس پروتکل اقتصادی که میان دولت خودگردان فلسطین و اسراییل در سال ۱۹۹۵ در پاریس به امضاء رسید، به طور ماهانه به دولت خودگردان فلسطین پرداخت شد.[1] به این ترتیب، روشن است که اگر دولت اسراییل زمانی تصمیم بگیرد که پرداخت این پول را به تعویق بیاندازد – همان گونه که از دسامبر ۲۰۰۰ کرده است – آن گاه دولت خودگردان فلسطین با بحران عمدهء مالی روبرو خواهد شد.

منبع عمدهء مالی دیگری که دولت خودگردان فلسطین به آن وابسته است کمک هزینه های پرداختی از سوی ایالات متحده و کشورهای عربی می باشد. در سال ۲۰۰۱ مجموع این کمک ها حدود هفتاد و پنج درصد بودجهء اختصاص یافته به مزد کارمندان "دولتی" را تشکیل می داد. بدون این پول، نزدیک به ۱۲۲۰۰۰ کارمند بخش دولتی بدون حقوق خواهند ماند. به علاوه، کمک کنندگان خارجی از برنامه های اضطراری، مانند کمک های غذایی، ایجاد اشتغال و بازسازی زیربنای ویران شده حمایت مالی نمودند. مجموع کسر موازنهء بازرگانی ساحل غربی و نوار غزه بالغ بر ۵۰–۴۵ درصد کل تولید ناخالص داخلی می باشد که به طور عمده از محل کمک های خارجی تأمین می شود.

رابطهء موجود میان مناطق فلسطینی و اقتصاد اسراییل از یک سو، و از سوی دیگر سرشت کمپرادوری طبقهء سرمایه دار فلسطین به طبقهء کارگر فلسطین ویژگی خاصی داده است. نیروی کار فلسطین را از نظر نوع اشتغال می توان به سه بخش عمده تفسیم نمود: بخش اول کارگرانی که در اسراییل و یا شهرک های یهودی نشین شاغل بوده و شرایط سیاسی موجود بیشترین تأثیر را بر آن ها گذاشته است. بخش دوم رقم بزرگی از نیروی کار را تشکیل می دهد که در بخش دولتی (دولت خودگردان فلسطین) اشتغال دارد. بخش سوم نیروی کار شاغل در بخش خصوصی است که تقریباً به طور کامل زیر سلطهء سرمایهء کوچک قرار دارد. در سراسر ساحل غربی و نوار غزه از طبقهء کارگر صنعتی درخور توجه اثری نیست.

در حالی که نیروی کار فلسطینی شاغل در اسراییل تا حدود زیادی اهمیت اش را در اقتصاد این کشور از دست داده است، اما کماکان بخش قابل توجهی از کل نیروی کار فلسطین را به طور نسبی تشکیل می دهد. در ماه های پیش از آغاز انتفاضه در سال ۲۰۰۰، هنوز اندکی بیش از بیست درصد نیروی کار فلسطین در ساحل غربی و نوار غزه (به جز اورشلیم) در اسراییل و یا شهرک های یهودی نشین شاغل بود.

در سال ۱۹۸۸، و در دورهء اولین قیام در سرزمین های اشغالی، درصد نیروی کار فلسطینی شاغل در اسراییل بیش از پنجاه درصد بود. بنابراین، در طی دوازده سال، درصد نیروی کار فلسطین که برای کارفرماهای اسراییلی کار می کنند به میزان شصت درصد کاهش یافته است. چه بر سر این کارگران آمده است؟

از آغاز روند اسلو تا کنون، بخش دولتی در چارچوب دولت خودگردان فلسطین که بالغ بر ē۲۵ نیروی کار فلسطین را در اقتصاد محلی در استخدام دارد، بزرگ ترین منبع ایجاد اشتغال بوده است. نسبت نیروی کار شاغل در بخش دولتی از نیمهء سال ۱۹۹۶ تا کنون تقریباً دو برابر شده است. بیش از نصف هزینه های دولت خودگردان فلسطین را حقوق های پرداختی کارمندان تشکیل می دهد.

بخش خصوصی، به ویژه در رشتهء خدمات، از نظر اشتغال در ردهء سوم قرار می گیرد. ویژگی این بخش سلطهء سرمایه های کوچک خانوادگی بر آن است. سرزمین های اشغالی به واسطهء سی سال سیاست توسعه زدایی که به طور بی وقفه از سوی اسراییل اعمال شده است، فاقد صنایع بزرگ و درخور اهمیت می باشد. بیش از نود درصد سرمایه های بخش خصوصی کمتر از ده کارگر را به کار گرفته اند.

الزامهای سیاسی

نتیجهء روند اسلو در پهنهء اقتصادی ایجاد یک طبقهء سرمایه دار انگلی [در فلسطین] بوده است که برای انباشت سرمایه به روابط اش با سرمایهء اسراییلی شدیداً وابسته می باشد. در عین حال، اسراییل با وارد کردن انبوهی از کارگران خارجی که به شدت استثمارپذیرند، توانسته است به وابستگی اش به نیروی کار ارزان فلسطینی ها پایان بخشد. کارگران فلسطینی به ارتش ذخیرهء کار تبدیل شده اند که به دلخواه می توان آن را به کار گرفته و یا از کار محروم نمود. به واسطهء چندین دهه از توسعه زدایی و اعمال کنترل کامل بر سرزمین های فلسطینی از سوی اسراییل، نیروی کار فلسطین در داخل یا به بخش دولتی وابسته است که حقوق اش از محل کمک های خارجی پرداخت می شود، و یا این که در بخش سرمایه های کوچک خانوادگی متمرکز است.

بی تردید [در نظر گرفتن] ساختار کنونی طبقهء کارگر فلسطین [برای طرح ریزی] استراتژی سیاسی بسیار مهم است. اگرچه طبقهء کارگر فلسطین از نظر تعداد بزرگ است، اما فاقد تشکیلات لازم و وزن اقتصادی است، و از این روست که نمی توان از نقش محوری استراتژی [مبارزهء] طبقاتی در جنبش آزادیبخش ملی فلسطین سخن گفت. در این جا شرایط، به عنوان مثال، با مبارزهء ضد جدایی نژادی در آفریقای جنوبی که طبقهء کارگر سازمان یافته (علی الخصوص کارگران معدن) می توانست نقش محوری را در جنبش بازی کند، فرق دارد.

واقعیت این است که این ساختار طبقاتی خود را در پهنهء عمل به خوبی نشان می دهد. از آوریل امسال (۲۰۰۲) نزدیک به هفتصد هزار نفر در ساحل غربی تقریباً به طور تمام وقت تحت حکومت نظامی به سر برده اند. حکومت نظامی، و یا به عبارت درست تر حبس خانگی، به این معناست که هیچ کس نمی تواند بدون پذیرش خطر کشته شدن خانه اش را ترک کند. آن روزهایی هم که برای چند

بقیه در صفحه ۱۶

[1] پروتکل پاریس یک موافقت نامهء اقتصادی بود که در چارچوب روند اسلو، و در سال ۱۹۹۵ به امضاء رسید. این توافقنامه به طور دقیقی لیست کالاهایی را که فلسطینی ها می توانند وارد و یا صادر کنند تعیین نموده، وبه مسایل مربوط به مالیات و دیگر امور اقتصادی پرداخته است.

www.iran-archive.com

ساختار اقتصادی و طبقاتی فلسطین

بقیه از صفحه ۱۵

ساعتی در حکومت نظامی وقفه ایجاد می شود، مردم آن قدر وقت خواهند داشت که تنها بتوانند به خریدن مایحتاج غذایی پرداخته و احتمالاً دوستان شان را به طور گذرا ببینند؛ اما تحت این چنین اوضاعی هیچ فرصتی برای تدوام فعالیتهای تولیدی و اقتصادی وجود نخواهد داشت. در این چنین شرایطی هر گونه برنامه ریزی برای زندگی به یک امر محال تبدیل می شود. از امروز به فردا را نمی توان پیش بینی نمود؛ آیا می توان به سر کار رفت، در سر کلاس درس مدرسه و یا دانشگاه حضور یافت، و یا آن که هم چنان می باید در خانه زندانی بود. این شرایطی است که زندگی مردم در آن توقف یافته است.

نفس چنین حکومت نظامی عملاً عمق تغییراتی را که در ساختار طبقاتی اسراییل و فلسطین پس از قرارداد اسلو شکل گرفته است آشکار می سازد. واقعیت این است که این چنین حکومت نظامی ای را نمی توان بر یک جامعهء سرمایه داری با کارکرد سامان یافته تحمیل نمود، زیرا که باعث توقف کامل تولید برای ماه ها خواهد شد. در طی انتفاضهء اول که در سال ۱۹۸۸ آغاز شد نیز دولت اسراییل به طور منظم در برخی از روستاهای فلسطینی اعلام حکومت نظامی کرده بود، اما به هیچ وجه در چنین وسعت و با این چنین ابعادی که امروز شاهد آن هستیم نبود. در آن دوره، غیبت کارگران از محیط کارشان، از یک سو به واسطهء حکومت نظامی و از سوی دیگر به خاطر وجود اعتصاب عمومی، آن چنان موثر بود که رییس ادارهء خدمات کار اسراییل گفته بود که شرایط موجود برای اسراییل فاجعه بار است. در حالی که امروز تمامی رهبران اسراییل از حکومت نظامی دایم، بستن مرزها و جداسازی اقتصادی حمایت می کنند.

وضعیت و موقعیت طبقهء کارگر فلسطین بر استراتژی سیاسی انتفاضهء جاری عمیقاً تأثیر می گذارد. ایدهء اعتصاب و یا دیگر شیوه های مبارزهء کارگری عملاً در این جنبش جایی ندارد، زیرا چنین اشکالی از مبارزه هیچ تأثیری بر اقتصاد اسراییل نخواهد گذاشت، و صرفاً به کارگران فلسطینی و خانواده های شان صدمه وارد خواهد ساخت. شکل دیگری از مبارزه که در طول انتفاضه دایماً پیشنهاد می شود بایکوت کالاهای اسراییلی است. این کار نیز، جز در برخی موارد سمبلیک عملاً ناممکن است، چون که اکثر کالاها از اسراییل وارد می شود. برای بسیاری از کالاها، از جمله لبنیات، گوشت، سیمان، بسیاری از میوه و سبزیجات، وسایل برقی، برق، خطوط تلفن، آب آشامیدنی و غیره، هیچ منبع تولید داخلی وجود ندارد. همه چیز از اسراییل وارد شده و یا از سوی اسراییل کنترل می شود.

آیا روند اسلو آخرین نفس های اش را می کشد؟

آن چه که این روزها در میان رسانه های جمعی غالب متداول شده است، و هم چنین از سوی بخش هایی از دولت خودگردان فلسطین و دولت اسراییل به گوش می رسد این است که انتفاضه جاری به معنای مرگ روند اسلو است. برخی از مفسرین فلسطینی دولت اسراییل را متهم می سازند که قصد دارد با نابود کردن دولت خودگردان فلسطین اوضاع را به دوران به اصطلاح فرمانداری غیرنظامی اسراییل[1] که تا سال ۱۹۹۳در سرزمین های اشغالی فرمان می راند، بازگرداند.

در حالی که اگر به این ادعاها دقیق تر پرداخته شود، بی ارتباطی شان با واقعیت کاملاً آشکار می گردد. یک نکتهء مهم این است که باید میان آن چه که ادعا می شود هدف روند اسلو بوده است، با آن چه که عملاً از آن حاصل شده است فرق گذاشت.

اگر روند اسلو به مثابهء روندی برای ایجاد یک کشور کانتون - جدا از ژست هایی که بر روی چمن کاخ سفید و در مقابل دوربین خبرنگاران گرفته شد - استنباط گردد، آن گاه کاملاً آشکار می شود که روند اسلو نه تنها نمرده است، بلکه هنوز راه دور و درازی را برای پیمودن در پیش دارد. در طی چند ماه گذشته، دولت اسراییل طرحی را دنبال می نموده است که هدف اش غصب زمین های باز هم بیشتری در ساحل غربی و راندن فلسطینی ها به این کانتون ها بوده است. این طرح همانند طرح دولت نژادپرست آفریقای جنوبی در دوران حاکمیت جدایی نژادی است که در آن برای سیاه پوستان مناطق ویژه در نظر گرفته شده بود. دیواری به ارتفاع ۹ متر و به طول صدها کیلومتر به دور شهرهای نابلس[2]، جنین[3]، قلقیلیا[4] و تولکرم[5] کشیده می شود. دیوار مشابهی نیز دورادور اورشلیم ساخته خواهد شد. به موازات این دیوارکشی ها، سیستم جدید کارت عبور و مرور به راه افتاده است که بر طبق آن فلسطینی ها برای رفت و آمد میان شهرهای فلسطین نیاز به اجازه نامه مخصوص هفتگی دارند که از سوی فرمانداری نظامی اسراییل در ساحل غربی صادر می شود. ورود کالا به مناطق فلسطینی تنها از طریق سه گلوگاهی که توسط ارتش اسراییل کنترل می شود، امکان پذیر است. در اساس، ساحل غربی به سه کانتون شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم شده است؛ و هر گونه رفت و آمد مردم و یا حمل و نقل کالا بین این سه کانتون تحت کنترل کامل ارتش اسراییل قرار دارد.

این سه کانتون در ساحل غربی توسط شهرک های یهودی نشین و شاهراه هایی که به روی فلسطینی ها بسته است، از هم جدا شده اند. تفاوت میان نمرهء اتوموبیل های اسراییلی و فلسطینی نشانهء دیگری از عروج سیستم آپارتاید در ساحل غربی رود اردن است.

از سوی دیگر، فلسطینیهای ساکن نوار غزه بیش از یک دهه است که عملاً هر گونه ارتباط شان با ساحل غربی قطع شده و ساکنان کانتون چهارم را در طرح اسراییل تشکیل می دهند. سال هاست که نوار غزه توسط سیم خاردار محاصره شده است؛ و در حال حاضر از نظر جمعیت یکی از متراکم ترین نقاط کرهء زمین است. در حقیقت، یک میلیون فلسطینی تنها در چندین کیلومتر مربع زندانی شده اند. حتا ماهیگیران فلسطینی نیز برای کسب معاش و صید ماهی از دریا نیاز به صدور اجازهء ارتش اسراییل دارند.

در وراء این روند، دگرگونی های اقتصادی ای نهفته شده است که در بالا به آن اشاره گردید؛ یعنی تلاش سرمایه داری اسراییل برای تحمیل یک راه حل سیاسی به مناقشهء موجود به منظور یاری رساندن به اسراییل برای مشارکت و ورود به صحنهء رقابت در بازار جهانی؛ راه حلی که به اقتصاد اسراییل این فرصت را بدهد که لیبرالیزه شده و از هزینه های نظامی بکاهد؛ و بازار کار و مصرف را در خاورمیانه به روی اقتصاد اسراییل باز کند.

[بر خلاف آن چه که عنوان می شود] مانع اصلی بر سر راه این پروسه خلق فلسطین است، نه دولت خودگردان. هدف استراتژی کنونی اسراییل نابودسازی دولت خودگردان نیست، بلکه دقیقاً بر عکس، تقویت آن برای سرکوب بی دردسرتر مردم است. تردیدی نیست که برخی از اعضاء دولت خودگردان در طی این روند از صحنه خارج خواهند شد. اما افراد مهم نیستند، بلکه این ساختار دولت خودگردان به مثابهء یک کل و نقش آن است که [برای اسراییل] اهمیت دارد.

امروز سخن گفتن از "انتفاضه" به مفهوم یک جنبش توده ای و همگانی دشوار است. به دلایلی که در بالا برشمرده شد، مشارکت توده ها در قیام کنونی بسیار ناچیز است. اما روحیهء مقاومت در میان مردم بسیار بالاست. و دقیقاً نیز به همین دلیل است که اسراییل شیوهء سرکوبی را برگزیده است که ویژگی اصلی آن مجازات جمعی است - تاکتیک هایی که هدف از آن ها ایجاد یأس و نومیدی، بیم و هراس، گرسنگی و مشقت برای به زانو درآوردن یک خلق است. پایان

[1] Israeli Civil Administration
[2] Nablus
[3] Jenin
[4] Qalqilya
[5] Tulkarem

برزخی بین کیش و مات برای رژیم

لیلا جدیدی

با نگاهی بر حرکت های اخیر رژیم ولایت فقیه، به سادگی میتوان مسیری را که رژیم برای ادامه حیات زالووارش برگزیده مشاهده کرد. فشارهای اجتماعی، اختلافات جناحی و سرانجام شرایط حاکم بر منطقه، راههای متنوعی را برای پس و پیش رفتن حکومتی که هرگز قصد و توان حل مشکلات به نفع مردم را نداشته، باقی نگذاشته است. ازاین رو از سوبی بر رونق فشار و سرکوب افزوده و از سوئی دیگر حلقه استبداد در حکومت مطلقه فقیه را تنگتر و تیزتر کرده است.

در هفته گذشته برای مثال، رژیم جهت محدودکردن دستیابی به اینترنت به بهانه مقابله با سایت های "خلاف اخلاق" و جلوگیری از رسیدن اخبار واقعی به دست مردم، به اقدامات عملی دست زد. از سوی دیگرنیز به دستگیری تعدادی از فعالین فرهنگی که برای برگزاری سالگرد ۱۸ تیر تدارکات می دیدند، اقدام کرده و آنان را به زندان گوهر دشت در کرج منتقل گرداند. قوه قضاییه نیز لیست سیاه بازداشت شماری از چهره های فرهنگی را تهیه کرده است و از طریق استقرار یک واحد نظامی دراداره کل نظارت بر اماکن عمومی تهران ، در صدد احضار ، بازجویی و بازداشت تعدادی دیگر از فعالان فرهنگی - هنری ، بر پایه اعترافات متهمانی که پیش از این تحت شرایطی دشوار در بازداشت به سرمی برند، برآمد. و سرانجام نیز پس از گذشت بیش از یکسال از پایان محاکمه ۱۵ تن از فعالان "ملی - مذهبی"، آنان را به حبسهای طولانی مدت محکوم کرد.

در این میان، جناح خامنه ای، با عدم تصویب لایحه "اختیارات رییس جمهور" و

بقیه در صفحه ۱۹

www.iran-archive.com

در گوشه و کنار جهان

اسد طاهری

کره شمالی
کره شمالی از کلیه شهروندان کره ای در سراسر جهان خواست برای مقابله با اقدامات جنگ افروزانه آمریکا علیه "پیونگ یانگ"متحد شوند.
روز ۲۰آپریل در اطلاعیه ای دولت کره اعلام کرد: " تمامی کره ای ها اعم از شمال، جنوب و در سراسر جهان، باید به طور جدی برای حمایت از سرنوشت ملت کره و آینده کشوری متحد شوند تا اقدامات آمریکا به منظور یک جنگ تجاوز کارانه را با شکست روبرو سازند". همچنین در این بیانیه آمده:واقعیت سختی که ملت در دوراهی جنگ و صلح و اتحاد مجدد با نابودی ملی با آن روبروست، ایجاب می‌کند که تمامی کره ای ها مبارزه ای میهن پرستانه برای صلح را علیه آمریکا و جنگ آغاز کند.

روسیه
روسیه خواستار واکنش جامعه جهانی در قبال انباشت سلاح های کشتار جمعی در اسرائیل شد.

ایتالیا
نخست وزیر سابق ایتالیا، "ماسیمو دالما" که در ۱۸ آوریل به مغرب سفر کرده بود، در یک سخنرانی گفت: "مطمئناً رژیم استبدادی عراق در حالت نمادین به پایان رسیده، اما ریشه کنی کامل آن به چندین سال زمان نیاز دارد. او افزود: خطر مسأله در این است که باب جنگهای دیگری در منطقه خاورمیانه باز شده و شناختن نشانه ها از نتایج آن، کار دشواری است. از دیدگاه او، بدون تردید کار بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل در عراق به خوبی پیش می رفت و رژیم سابق عراق نیز همکاری زیادی کرد. اما آمریکا موضعی را برگزیده که بر عکس اراده سازمان ملل متحد جریان یافت.
"دالیما" خاطر نشان کرد، جناح چپگرا در اروپا و به ویژه ایتالیا به هیچ وجه با رژیم استبدادی عراق همکاری نکرد. اما با سیاست آمریکا در منطقه نیز مخالف است زیرا این سیاستها بر اساس منطق نفت و سلطه بر منابع نفت ثروت زیر زمینی استوار است.
اخبار مربوط به مسائل عراق را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید

فرانسه
۲۱ آوریل، "نینا سیمون" خواننده، نوازنده در سن ۷۲ سالگی چشم از جهان فرو بست. "نینا" سالهای ۱۹۶۰به جنبش حقوق مدنی (در آمریکا) پیوست. او در خانواده ای فقیر در شهر کوچکی در ایالت آتلانتا به دنیا آمد، پیانو را در ۴ سالگی آموخت. در ۱۸ سالگی برای کمک به معاش خانواده اش در یک "بار" کار گرفت. نام اصلی نینا "یونیس ویمون" بود، او نام نینا را از هنرپیشه فرانسوی سیمون سینومره بر گرفت. "نینا سیمون" در سال ۱۹۷۲ به علت نابودی جنبش مدنی و حرکت های نژادپرستی در آمریکا، این کشور را به مقصد فرانسه ترک کرد.
او چنین می گفت: من می خوانم چون حس آزاد بودن را می شناسم.
یادش گرامی باد.

عراق
روز پنجشنبه ۲۲آپریل، روزنامه "نیویورک سان" به نقل از روزنامه عربی "الشرق الاوسط" در روز ۲۱ می اعلام کرد: اولین روزنامه کمونیستی در عراق منتشر شد. این روزنامه "طریق الشعب" نام دارد و ارگان حزب کمونیست است، این روزنامه به طور رایگان در اختیار مردم قرار می گیرد.
"انهدام دیکتاتوری" نام اولین سرمقاله این روزنامه بود که در آن از حکومت خونین صدام به شدت انتقاد شده بود، این روزنامه از سوی مردم با استقبال فراوان مواجه شده است. این حزب برای نخستین بار کنگره خود را در میدان "فردوسی" بغداد برگزار کرد.

ونزوئلا
۲۷ آپریل، رئیس جمهور ونزوئلا مخالفان دولت این کشور را به تلاش برای تسلیم کشور به یک ابر قدرت خارجی متهم کرد. "هوگو چاوز"، پیش از ترک کشورش به مقصد برزیل، در جمع دانشجویان دانشگاه مرکزی ونزوئلا اعلام کرد: مخالفان دولت پس از شکست در سرنگونی دولت از طریق کودتای نظامی و اقتصادی اینک به ظاهر آرام شده اند. او هشدار داد در برابر این حیله مکارانه دشمنان فریب نخورند و تاکید کرد این اقلیت هرگز ساکت باقی نمانده و در خفا با دسیسه، توطئه و خیانت به وطن برای تسلیم کردن کشور به ابر قدرتهای خارجی در تلاش هستند، اما "ما همچنان به این مبارزه ادامه خواهیم داد.

آلمان
۳۰آوریل، اشپیگل- بیکاری در آلمان همچنان در حال صعود است. "گرهارد شرودر" صدر اعظم آلمان، طی ماه های اخیر برنامه های اصلاحی زیادی را برای کاهش بیکاری در کشورش ارائه داده است. با وجود جار وجنجال و تبلیغات زیادی که وی در این زمینه به راه انداخته، بسیاری از کارشناسان همچنان بدبین هستند. "یورگن کروم فارت" کارشناس اقتصادی آلمان، پیش بینی کرده است که احتمالا تعداد بیکاران در زمستان آینده به بیش از پنج میلیون نفر خواهد رسید.

عراق
۳۰آوریل، خبرگزاری WBAI- یک گروه از عراقی ها طی شکایتی علیه ژنرال "تامی فرنک"، فرمانده آمریکائی در خلیج فارس را به اتهام ارتکاب جنایات جنگی به دادگاه بروکسل فراخواندند. بر اساس یک قانون، بلژیک مجاز است به جنایات جنگی رسیدگی کند.

فلسطین
۳۰آوریل، خبرگزاری فرانسه- صدها هزار تن از کارگران فرودگاه ها، بنادر، راه آهن، مدارس و بخش بورس رژیم اسرائیلی دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب در اعتراض به سیاستهای اقتصادی این رژیم و رکورد شدید اقتصادی بر پا شده است.

نیجریه
۳۰آوریل، آسوشیتدپرس- کارگران شرکت نفت نیجریه دست به یک اعتصاب سراسری زدند، اعتصاب کنندگان ۱۰۰ نفر از کارکنان سکوی شناور را به گروگان گرفتند. کارگران اعلا م کرده اند خواهان پایان دادن مداخله شرکتهای خارجی در نیجریه هستند. «هلبرت، بیاند اوشنز...»، مسئولان اتحادیه ی کارکنان صنعت نفت نیجریه گفته اند تلاش می کنند که گروگانها را آزاد کنند.

آفریقای جنوبی
۵مه، نیویورک سان- "والتر سیسولو"، برجسته ترین اندیشه پرداز جنبش ضد

نژادپرستی آفریقای جنوبی در سن ۹۱ سالگی چشم از جهان فرو بست.
سیسولیو هوراه، نلسون ماندلا و آلبور تامبو در سال ۱۹۴۳ اتحاد جوانان کنگره ملی آفریقا را بنیان گزاری کردند که به سرعت به سازمانی برای پیکار و مبارزه بدل شد. سیسولو در سال ۱۹۴۹ رسما به دبیرکلی کنگره ملی آفریقا برگزیده شد و در سال ۱۹۶۳ با دفاع پر شور، مستدل و افشاگرانه که در دادگاه تجدید نظر از خود و همرزمانش به عمل آورد به چهره ای آشنا در سطح بین المللی بدل شد. او که یک سوم از عمر خود را در زندان رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی به سر برد، سرانجام در سال۱۹۸۹ آزاد شد.
نلسون ماندلا که توسط سیسولو به مبارزه جذب شد و نزدیک به ۶۰ سال با او همرزم و هم بند بوده است در مراسم تدفین او گفت: که با مرگ آموزگارش نیمی از وجود خود را از دست داده است. ماندلا افزود: من و سیسولو مشترکا دره مرگ را در نوردیدیم و مشترکا هم شادیهای زندگی و لذت آزادی را تجربه کردیم.

فرانسه
۱۲مه، خبرگزاری فرانسه- کار کنان بخش دولتی فرانسه دست به یک اعتصاب عمومی زدند. کارکنان بخش حمل و نقل عمومی، فرودگاه ها، آموزش و پرورش و... در این اعتصاب شرکت جستند؛ آنان خواهان اصلاح قانون بازنشستگی در فرانسه هستند.
با اعتصاب کارکنان دولت، ادامه ی کار بخش حمل و نقل کشور مختل گردید، کلیه پروازهای داخلی و خارجی لغو شد، مدارس بسته شد و رفت و آمد قطارهای مسافربری نیز کاهش یافت. "ژان پیررافرن"، نخست وزیر فرانسه، در نظر دارد سن بازنشستگی را ۵ سال افزایش دهد و همزمان از حقوق دریافتی بازنشستگی بکاهد.
آخرین باری که یک دولت راست میانه به چنین اقدامی دست زد، مخالفت اتحادیه های کارگری به سقوط دولت منجر شد.

اتریش
۱۳مه، خبرگزاری فرانسه- در اتریش نیز طرح جنجالی در زمینه بازنشستگی موجب فراخوان سندیکای کارکنان بخش حمل و نقل به یک اعتصاب سراسرگردید که در نتیجه این کشور به حالت تعطیل در آمد. همچنین اعتصاب ۱۰۰هزار معلم اتریشی، یک میلیون دانش آموز را سرگردان کرد. و این در حالی است که ۲۰۰هزار تظاهر کننده راهی خیابانهای "وین" شده بودند.

ایتالیا
۱۴مه، آسوشیتدپرس- در حالی که "سیلویو برلوسکنی"، نخست وزیر ایتالیا، روز چهارشنبه در مراسم ویژه ای برای آغاز کار ساخت سدهای شناور "ونیز" حضور یافته بود، گروهی از فعالان ضد جهانی سازی با قایق علیه او تظاهرات کردند. علاوه بر این، چند تن از مدافعان حفظ محیط زیست نیز در اعتراض به طرح سدهای شناور "ونیز" تظاهرات کردند، زیرا عقیده دارند این طرح توازن زیست محیطی "ونیز" را بر هم خواهد زد.

www.iran-archive.com

ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره یی به هزار سال مبارزه فرهنگی

(۳۹)

اسماعیل وفا یغمایی

درباره سر بداران

سلسله و دولت سربداران از انجا که ریشه در شورشی مردمی علیه ظلم وستم بقایای مغولان و فئودالهای محلی دارد و نیزسران و رهبران آن نه از میان شاهان و شاهزادگان بلکه از میان مردم وپهلوانان و عیاران بر خاستند بیشترازدیگر سلسله هایی که با آنان از نظر تاریخی همزمان بودند قابل تاکید و تجربه اندوزیست .

درک دولت سربداران بدون درک شرایط تاریخی دوران آنان ممکن نیست .

پس از مرگ ایلخان ابو سعید در سال ۷۳۶ هجری ، جنگ و ستیز بین دستجات مختلف وفئو دالهای قدرتمند شروع شد و بازماندگان دولت مغولان چنانکه قبل از این اشاره شد بیشتر بازیچه فئو دالهای قدرتمند بودند . در کشاکش پس ازمرگ ابوسعید سرانجام طوغای تیمور خان از بازماندگان برادر چنگیز خان به عنوان ایلخان در خراسان و گرگان مستقر شد . در هنگام به قدرت رسیدن طوغای تیمورخان ، در عراق عجم و آذربایجان وارمنستان ، چوپانیان حکومت می کردند . در عراق عرب جلایریان ودر هرات و خراسان شرقی وافغانستان ملوک آل کرت فرمان میراندند . در حوزه رود هامون ملک سیستان ، درفارس و اصفهان دولت آل اینجو ، در کرمان و یزد مظفریان ، در لرستان اتابکان لر، درجزیره هرمز و اطراف آن دولت بحری صاحبان هرمز و در گیلان و مازندران دست کم ده امیر نشین مستقل و جود داشتند . در کنار این دولت های ریز و درشت ، در هر گوشه ای امیران و مالکان خرد و کلان اعلام استقلال کرده و با تصرف شهری یا قلعه ای بساط خود را در آن گسترده بودند ، مجمع الانساب شبانکاره ‹فهرست جالبی از این امیران خرده پا ارائه کرده است.

قیام و تاسیس سلسله سر بداران درقرن هشتم هجری ـ چهاردهم میلادی ـ واقعه ای تاریخی واز نظر شماری از محققان مهم ترین نهضت آزادی بخش خاور میانه است .

در حول و حوش نهضت سربداران ، آتش شورش ها و قیامهای مازندران ۷۵۰ هجری ، گیلان ۷۷۲ هجری ،کرمان ۷۷۵ هجری ، سمرقند و ناحیه رود زر افشان ۷۶۷ هجری ، و اندکی بعد قیامهای شیخ بدر الدین ، سماوی، بیور کلوجی در ترکیه عثمانی ۸۱۸ -۸۲۱ هجری ، نهضت حروفیون درنیمه اول قرن پانزدهم میلادی در ایران و آذربایجان و آسیای صغیر ، وقیام مردم خوزستان در۸۴۴ هجری زبانه کشیدند . این قیامها مشابهتهای فراوانی با یکدیگر داشتند که از هر نظر قابل توجه و تاکید است امابه طور خلاصه درباره نهضت و سلسله سربداران تاکید بر این نکات ضروری ست .

۱ ـ آتش این نهضت در زمانی شعله ور شد که قدرت متمرکز مغولان از بین رفته بود و در عین حال ستم و خود کامگی وحشیانه باز ماندگان مغولان و فئودالهای وابسته به آنان در تطاول به جان و مال و ناموس مردم ادامه داشت . آتش این قیام بنا به روایت « مجمل فصیحی » ابتدا درقریه باشتین در حوالی سبزوار زبانه کشید .

پنج ایلچی مغول در خانه دو برادر بنامهای حسین و حسن حمزه فرود آمدند و از آنان شراب خواستند .ایلچیان چون از شراب مست شدند تقاضای زن کردند و سرانجام از حسن و حسین حمزه خواستند زنان خود را در اختیار آنان بگذارند . حسن و حسین دیگر طاقت نیاورده و شمشیر کشیده و هر پنج ایلچی را کشتند و گفتند ما سر به دار میدهیم و سر به ننگ نخواهیم داد .

قیام بر اثر این حادثه شروع شد ولی واقعیت این است که خراسان از مدتها قبل آماده شورش بود و این حادثه جرقه اولیه را زد و باعث شعله ور شدن آتش قیام گردید. ظلم و ستم مغولان آنچنان در زمینه های مختلف و از جمله تجاوز به زنان گسترده بود که رشید الدین در«جامع التواریخ » از تجاوزات مکرر ماموران و ایلچیان مغول به زنان سخن می گوید و از قول کدخدای یکی از دهات نقل می کند که پس از چند سال حتی یک فرزند حلال هم یافت نخواهد شد و فقط حرامزادگان دو رگه وجود خواهند داشت .

۲ ـ در این نهضت مردم ستمدیده در آمیخته با مالکان و فئودالهای محلی به جان آمده از ستم پای به میدان گذاشتند ، جناح بندی درون نهضت سر بداران را در این رابطه میتوان درک کرد .

۳ ـ نهضت سربداران مانند بسیاری از نهضت های این دوران رنگ مذهبی داشت و با عرفان و مقولات مربوط به دنیای صوفیان آمیخته بود . سربداران از نظر ایدئولوژی شیعه بودند . ماجرای کربلا و اعتقاد به ظهور امام دوازدهم شیعه و رهائی از ظلم و ستم از اصلی ترین پایه های اعتقادی سربداران بود . در دوران سربداران مذهب حاکمان و فئودالها تسنن بود و مغولان مسلمان شده بجز الجایتو که برای مدتی شیعه شد به تسنن اعتقاد داشتند . در نهضت سربداران خراسان تشیع و تسنن در برابر هم بمثابه مذهب حاکمان و مذهب محکومین صف آرائی کردند . دولت سربداران دولتی آمیخته با مذهب بود و در آن قوانین فقه اسلامی ساری و جاری بود . تمایلات مساوات طلبانه و توجه به توده های فقیر روستائی از ویژگیهای دولت سربداران بود. در دوران آنان در بسیاری از موارد وضع کشاورزان بهبود پیدا کرد وبخصوص سبزوار پایتخت سر بداران رونق ویژه ای یافت .

۴ ـ نهضت سربداران در جنگ قدرت میان جناحهای تند رو و میانه رو تاریخ خشن و خونینی دارد . از یازده امیر سربدار ده تن از آنان به وضعی خشن و خونین و در جدال بر سر قدرت و تصفیه های درونی به قتل رسیدند . در این رابطه کارنامه این سلسله از دیگر سلسله ها خونین تر است . نهضت سربداران البته نهضتی مردمی بود و در بر شوریدن بر مغولان و خانها و حمایت از روستائیان قابل تامل و توجه است ولی در روزگار ما و با توجه به تجربه سنگین دوران حکومت مذهبی خمینی ، در بررسی آن باید از رمانتیزم و خوش بینی افراطی دوری کرد و زوایای خشن و خونین آنرا نیز ، چه در «جنگ قدرت » و چه در« آمیختگی دین و دولت» و در «جاری کردن قوانین شرعی فقهی»و «کشتاربیرحمانه زنان بینوای تن فروش» و«حد زدن» و«رواج تفکر صوفیان آخوند مسلک» در نظر داشت . این نهضت در عرصه نسبی گرائی تاریخی زوایای درخشانی دارد ولی به طور آرمانگرایانه و با تعریف روزگار ما از عدالت اجتماعی و آزادی دارای نقاط تاریک و ضعف های فراوان است .

۵ ـ ادیب و شاعر بزرگ سربداران ابن یمین فریومدی بود که اشعار مردم گرایانه او و انتساب او به سربداران نام و نشان سربداران را در تاریخ ادبیات ایران پر رنگ تر کرده است .ابن یمین شاعری توانا در شعر و ادب ، و نیز جنگاور بود ودر جنگ سربداران با ملوک کرت در سال ۷۴۳ هجری دیوان اشعار او در میدان جنگ مفقود شد . ابن یمین شعرهائی در مدح ملوک کرت ، سربداران و طغا تیموریان دارد ولی بیش از همه شاعر سربداران بود . ابن یمین ابتدا در خدمت خواجه علاالدین فریومدی وزیر خراسان ـ مقتول در۲۷ شعبان سال ۷۴۲ هجری به دست سربداران ـ بود . ابن یمین شش سال نیز در دربار طغا تیمور خان مغول از زمره کاتبان و منشیان بود .او در سال ۷۶۹ هجری، ۱۳۶۸ میلادی در گذشت و در فریومد به خاک سپرده شد.

سلسله تیموریان

۷۷۱ ـ ۹۱۱ هجری ، ۱۳۷۰ ـ ۱۵۰۵ میلادی

۱ـ امیر تیمور گورکانی ،۷۷۱ ـ ۸۰۷ هجری . تیمور ـ به معنای آهن ـ سر سلسله تیموریان فرزند امیر ترغای واز نوادگان قراجار نویان ، رئیس قبیله برلاس و ازامیران تحت اطاعت مغولان و از تیره و تبار مغولان بود . او در سال۷۳۶ هجری در شهر کش ـ شهر سبز کنونی در جنوب سمرقند ـ متولد شد . تیمور شکارچی ، تیرانداز، شمشیر زن و جنگاوری متهور بود و به زاهدان و صوفیان ارادت خاصی داشت و از انفاس آنان از دوران جوانی مدد میطلبید واین علاقه به اسلام و صوفیان را تا پایان عمر حفظ کرد .

ا میر تیمورتا سالهای ۷۷۱ هجری را به کشاکشها و جنگهای فراوان گذرانید و سرانجام با ورود به سمرقند در دوازدهم رمضان سال ۷۷۱ هجری به چنان موقعیتی دست یافت که بتواند به عنوان یکی ازجهانگشایان بی رحم وپیروزمند در صحنه تاریخ سیمائی فراموش ناشدنی پیدا کند .

کارنامه نظامی امیر تیمور

لشکر کشی به خوارزم ۷۷۳ – ۷۸۱ هجری ، لشکر کشی به دشت قبچاق و مغولستان ۷۷۶ – ۷۷۹ هجری ، و نیزبه روسیه و انهدام مسکو، سلسله لشکر کشیها به خراسان ۷۸۲ – ۷۸۵ هجری ، لشکر کشی به مازندران ، استر آباد ۷۸۶ – ۷۸۷ ، یورش سه ساله سراسری به ایران ۷۸۸ – ۷۹۷، یورش پنج ساله به ایران ۷۹۴ –۷۹۸ هجری ، یورش به هندوستان ۸۰۱ هجری ، یورش هفت ساله به ایران ۸۰۲ –۸۰۷ هجری و یورش به عثمانی ۸۰۴ هجری ، گوشه هائی ازکارنامه نظامی تیموررا تشکیل میدهد . در این جنگها و یورشهاهمراه با ویرانی گسترده و کشتارهای بیرون از حد و حساب و بر پا کردن کله منارها تیمور همیشه فاتحی پیروزمند بود .

(ادامه داد)

www.iran-archive.com

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول : زینت میرهاشمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

زینت میرهاشمی

چاپ : انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

اروپا معادل	۱۷یورو
آمریکا و کانادا و سوئد	۲۴ دلار
استرالیا	۴۰ دلار
تک شماره	۱دلار
فرانسه	۱۱یورو

آدرس نبرد خلق
در شبکه جهانی اینترنت
www.iran-nabard.com
E.Mail:nabard@iran-nabard.com

جنگ خبـــر
www.jonge-khabar.com
اخبار روزانه را در جنگ خبر مطالعه کنید

بحران انقلابی .....

بقیه از صفحه ۱۴

می کند. برای همین است که به وقیحانه ترین شکل همه سران رژیم که خود نتوانسته اند این سازمان را نابود کنند، خواستار نابودی آن به وسیله امریکا و انگلیس هستند. اما به گمان من ولایت خامنه ای به علت فقدان توانایی و ظرفیت داخلی و بین المللی برای غلبه بر بحران انقلابی و جنبش گسترده زنان و مردان کشور ما چشم اندازی ندارد. ولی فقیه و ایادی او تنها می توانند با حربه سرکوب و توطئه و زد و بند به قیمت دادن امتیازات گوناگون به طرفهای خارجی، نقطه تعین تکیف با خود را روزانه به تاخیر اندازند. چشم انداز واقعی در رقابت و چالش دو سناریو دیگر شکل خواهد گرفت و مردم ایران به روزهای سرنوشت ساز نزدیک می شوند. پایان

پنج شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۲

درگذشت دکتر حسین عظیمی

دکتر حسین عظیمی، رییس موسسه عالی پژوهش در امور برنامه‌ریزی، وابسته به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، که از چند سال پیش در حال مداوای بیماری بود صبح روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۲ درگذشت.

دکتر حسین عظیمی که از اساتید ممتاز در کشور بود به دلیل ابتلا به بیماری سرطان خون مدتی را در بیمارستان گذراند حسین عظیمی متولد سال ۱۳۲۷ و دارای دکتری اقتصاد از دانشگاه آکسفورد انگلستان بود که سالها در دانشگاههای داخل و خارج از کشور به تدریس دروس توسعه و اقتصاد پرداخت.

درگذشت حمید شعاعی، نویسنده و محقق سینما و تاتر

حمید شعاعی، نویسنده و محقق سینما و تاتر، روز یکشنبه ۷ اردیبهشت بر اثر سکته قلبی در سن ۸۰ سالگی درگذشت.

از آثار او می‌توان به نمایشنامه "یا جام بان" یا قصه کوتاه، "نمایشنامه و فیلمنامه در ایران"، "فرهنگ سینمای ایران"، "چهار مجموعه نام آوران سینمای ایران" درباره ی عبدالحسین سپنتا، فریدون رهنما، فروغ فرخزاد و فرخ غفاری، نمایشنامه "شکوه رستن" و "امثال شعر فارسی" و ... می‌توان نام برد.

نبرد خلق درگذشت حمید شعاعی را به خانواده او و جامعه فرهنگی تسلیت می گوید.

برزخی بین کیش و مات برای رژیم

بقیه از صفحه ۱۶

ادامه تعطیلی مطبوعات و بازداشتهای مربوط به آن، امید به تفاهم ملی را نیز از خاطر جناح اصلاح طلب زدود. محسن اسماعیلی، یک عضو حقوقدان شورای نگهبان، مسائلی مانند استعفا، خروج و اخراج از حاکمیت را"شعارهای تنشآفرین" خواند و انجام این اقدامات را"غیرممکن و به زیان منافع و اقتدار ملی" ارزیابی کرد. او با اظهار اینکه "نشانههای امیدوارکنندهای مبنی بر عزم همکاری برای تفاهم و وفاق ملی دیده میشود و با منزوی شدن عناصر افراطی در همه گرایشهای سیاسی میتوان به یافتن نقطه اعتدال و آرامش امیدوار بود" آب پاکی را بر سربقیه ریخت.

بدین طریق جناح خامنه ای با گرویدن به تنها راه پیش رو ، تیغ سرکوب را از نیام برکشیده و رقیبان را نیز درپی خود می کشد. برصفحه ی شطرنج سیاست داخلی و بین المللی، جمهوری اسلامی کیش شده و جز پنهان شدن در پس آخرین مهره های بی مصرف – سرکوب و حذف – چاره ای نمی بیند.

قتلهای زنجیره ای کرمان، سمبل تفکر مرتجعان حاکم

زینت میرهاشمی

محاکمه عاملان قتلهای زنجیره ای کرمان طی روزهای اخیر در پشت دربهای بسته در جریان است. این گونه جنایتها تنها گوشه ای از بربریت ناشی از رژیم ارتجاعی جموری اسلامی در میان اقشار عقب مانده جامعه ایران است.

بر اساس اخبار پخش شده و نامه یکی از انجمنهای اسلامی به خاتمی ، پرونده متهمان جنایات فوق به مقامات حکومتی راه پیدا می کند. به دنبال این مسائل و اختلافهای قوه قضائیه با نیروهای انتظامی کرمان، دادگاه متهمان در پشت دربهای بسته انجام می شود. قالیباف اقدام به تغییر فرماندهی نیروی انتظامی کرمان نموده است. در اخبار بعضی رسانه های حکومتی از کناره گیری فرمانده نیروی انتظامی کرمان به دلیل «اعتراض به روند رسیدگی و وجود مسامحه در برخورد به متهمان» صحبت به میان آمده است.

متهمان قتلهای زنجیره ای در کرمان، جوانان را برای انجام امر به معروف و نهی از منکر دستگیر، شکنجه کرده و سرانجام اسیران خود را به صورت وحشیانه ای به قتل رسانده اند. یکی از متهمان اعتراف به سنگسار یکی از مقتولان کرده است.

از برکت قوانین ارتجاعی حاکم افراد با درآوردن چشم، بریدن دست راست و پای چپ، سنگسار به دست کسانی که خود را نماینده خدا روی زمین می دانند به مجازات می رسند.

دستاورد قوانین حاکم و حکومت مذهبی، ارتجاعی طی این چندین سال، رشد پس مانده ترین فرهنگ، لمپنیزم و خشونت است. با اتکاء به روح حاکم بر قوانین شرع، هر باندی در پیوند به حلقه ای از زنجیره حکومت، خود را نماینده حکومت الهی می داند و راسا چوبه دار و گیوتین را بر پا می دارد. در نهایت با لو رفتن، همانند قتلهای سیاسی زنجیره ای و قتلهای انجام شده توسط حنایی و ... امران دستگیر و بعد از مدتی آزاد یا تحت فشار مجازات می شوند ولی عاملان برای انجام جنایات تازه بایگانی می شوند.

در شیراز در مقابل حرم شاهچراغ چادری بر پا شده است. در این چادر زنان رونده داری رسالت امر به معروف و نهی از منکر را برای زنانی که به زعم آنان حجابشان نقص دارد، به عهده دارند. میزان رشد یا عدم رشد این گونه باندهای جنایتکار که خود دستها را بالا زده و قوانین را در کوچه و خیابان به اجرا می گذارند، سمبل قوانین و تفکر ارتجاعی آخوندها است.

۱۷ اردیبهشت

نینا سیمونه

به گزارش خبرگزاریها نینا سیمونه، خواننده جاز و ترانه سرای افسانه یی جهان در سن ۷۰سالگی در جنوب فرانسه درگذشت. این خواننده سیاهپوست آمریکایی که اهل کارولینای شمالی بود، به خاطر تلاشهایش در جهت احقاق حقوق سیاهپوستان آمریکا، علاوه بر نبوغ هنریش، شهرتی فراگیر یافت. نینا سیمونه به عنوان بزرگترین هنرمند زن ترانه سرای عصر خود در جهان شناخته می شد. او ترانه «می سی سی پی لعنتی» را در اعتراض به کشتار چهار کودک سیاهپوست توسط گروه کوکلوس کلان در سال ۱۹۶۳ در یک کلیسا در آلاباما، سرود و اجرا کرد. مرگ سیمونه اندوه بسیاری در میان هنرمندان جهان به وجود آورد.

www.iran-archive.com

NABARD - E - KHALGH

No : 216 22. May . 2003 / Price: $ 1 – 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 /91350 Grigny / Cedex / FRANCE
NABARD /Postbus 9458 / 1006 AL Amsterdam /HOLLAND
NABARD /P.O Box / London N7 /7HX -ENGLAND
NABARD / Post fach 102001 / 50460 Koln / GERMANY
NABARD /P.O Box , 710631 / Herndon, VA / 20171 U.S.A
NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

Name of Bank…. SOCIETE GENERALE / Address: Boulogne – S – Seine / FRANCE

Bank Code: 30003 / Post Code: 03760 / Account No: 00050097851 / Beneficent Name: Mme. Talat R.T

احکام بیدادگاههای جمهوری اسلامی در مورد ملی ـ مذهبیها

پیرو حکم صادره‌ی شعبه‌ی ۲۶ بی دادگاه انقلاب، ۱۴ تن از متهمان ملی ـ مذهبی به حبس و محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شدند.

پیرو رای صادر شده از سوی قاضی حداد، رییس شعبه‌ی ۲۶ بی دادگاه انقلاب، محکومیت حبس برای این متهمان بدین ترتیب اعلام شد:

تقی رحمانی ۱۱ سال، هدی صابر ۱۰ سال، حبیب‌الله پیمان ۹ سال، محمد ملکی ۷ سال، محمد محمدی اردهالی، محمد بسته‌نگار، سعید مدنی و رضا علیجانی هر یک ۶ سال و مرتضی کاظمیان، محمد عمرانی، رضا رییس‌طوسی، مسعود پدرام، محمدحسین رفیعی و علیرضا رجایی هر کدام ۴سال.

این گزارش حاکی است تمامی این ۱۴ متهم از ۵ تا ۱۰ سال به محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شدند.

طی این حکم جابرانه حبیب‌الله پیمان، هدی صابر، محمد بسته‌نگار، تقی رحمانی، سعید مدنی و رضا علیجانی هرکدام به ۱۰ سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم شده‌اند.

هم‌چنین محمدی اردهالی، کاظمیان، عمرانی، ملکی، رییس‌طوسی، پدرام، رفیعی و رجایی هرکدام طبق این رای به مدت ۵ سال از حقوق اجتماعی محروم شدند.

هنگام خروج متهمان ملی مذهبی از بی دادگاه و حضور آنها در جمع خبرنگاران، سعید عسگر نیز، در مقابل در خروجی دادگاه انقلاب حضور داشت.

جایزه بهترین فیلم مستند برای فیلم محاکمه ساخته ی مسلم منصوری

در جشنواره امسال جشنواره که به خاطر حضور شخصیتهای معتبری چون و در کادر هیئت مدیره آن از بسیاری از آلودگیهای متداول جشنواره های امروز مبرا مانده؛ جایزه بهترین فیام مستند را به فیلم محاکمه ساخته مسلم منصوری اهدا نمود.

مسلم منصوری سینماگر معترض ایرانی با اعتراض به خفقان وسرکوب رژیم جمهوری اسلامی ؛ بعد از اتمام آخرین کارش در ایران با عنوان: «شاملو شاعر آزادی » سر زمینش را ترک گفت ودر امریکا تقاضای پناهندگی داد. همراه خود سه فیلم ناتمامش را که مخفیانه ساخته بود به خارج ار مرز های استبداد انتقال داد . ابتدا موفق شد فیلم «محاکمه»را آماده نمایش کند و دو کار مستند دیگرش که زندگی آوارگان جنگ و رنان تن فروش را می نمایاند؛ قبل از آماده شدن کامل و بخشهایی از آن در برنامه های متعدد که سینمای آزاد در تنظیم آن دخالت داشت نمایشهای موفقیت آمیز داشت:منصوری هم اکنون فیلم زنان تن فروش را نیز آماده نمایش می نماید.

فیلم مستند محاکمه در باره یک گروه فیلم سازی غیر حرفه ایست که با دوربین سوپر ۸ در د هات ورامین ؛ در حومه تهران بدون مجوز وزارت ارشاد کار می کردند. افراد این گروه را کارگران ومردم دهات تشکیل می دهند وکارگردان فیلم خود کارگر کوره پز خانه است .

آنان حرفهای ساده ای دارند که با مردم پیرامونشان مطرح می کنند ؛برای مردم ده جشنواره می گذارند؛ جلسات نقد ونمایش فیلم ترتیب می دهند وبه یکدیگر جایزه هم می دهند اما آنان در همان محیط بسته ودر همان شرایط هم درک می کنند که نباید تسلیم خواستهای وزارت ارشاد شوند. اما سرانجام فعالیت آنان لو می رود پاسداران به آنان حمله می کنند وسایل ابتدایی شان را ضبط وخودشان را به زندان می اندازند ؛ کارشان متوقف وگروه متلاشی می شود .

جشنواره همچنین از حمایت فیلمسازان مستقل امریکایی نظیر مایکل مور (سینماگری که جشنواره لوکس اسکار را تبد یل به یک رویداد سیاسی نمود وشب اهدا جوایز و به هنگام دریافت اسکار ۲۰۰۳ علیه سیاست های جنگ طلبانه بوش فریاد زد) برخوردار است. مایکل مور نیز از اهدا جایزه به فیلم محاکمه با ستایش یاد کرده است .

این فیلم با برنامه ریزی سینمای آزاد؛ در شهرهای اروپا نمایش داده خواهد شد نحوه نمایش به زودی مشخص واعلام می شود .

مرکز پژوهشی وفیلمسازی سینمای آزاد–
زاربروکن– آلمان
تلفن و فاکس ۰۰۴۹ ۳۹۲۲۴۶۸۱
ایمیل

۹۱ نشریه در توقیف، ۱۷ روزنامه نگار در زندان

بنا به آماری که یونسکو منتشر کرده است، ایران بار دیگر از لحاظ تیراژ مطبوعات به رتبه ۱۶۹ بازگشت. یعنی به جایگاه خود قبل از دوم خرداد.

به گزارش رادیو فردا انجمن آزادی مطبوعات در ایران گزارش سالانه خود را منتشر کرد و در آن به بررسی روند نقض حقوق و آزادی مطبوعات ایران در سال ۱۳۸۱ پرداخته است.

انجمن دفاع از مطبوعات یاد آوری کرده است که در سال گذشته، ۱۷ نشریه توقیف یا لغو امتیاز شدند و شماری از دست اندرکاران مطبوعاتی، احضار یا بازداشت گشتند. تعداد نشریات بسته شده در سال گذشته ۱۷ نشریه بود، اما در پنج سال اخیر، این رقم به ۹۰ نشریه می رسد و در همین مدت پنج سال، ۱۷ روزنامه نگار نیز، بر اساس این گزارش بازداشت شده اند.

شهدای فدایی خرداد ماه

رفقا: حسن نیک داوری ـ امیرپرویز پویان ـ اسکندر صادقی نژاد ـ رحمت الله پیرو نذیری ـ بهروز دهقانی ـ حسن معصومی همدانی ـ علیرضا شهاب رضوی– حبیب برادران خسروشاهی ـ مریم شاهی ـ خسرو تره گل ـ حسین سلاحی ـ مینا طالب زاده شوشتری ـ علیرضا رحیمی علی آبادی ـ حسین موسوی دوست موچالی ـ رفعت معماران بناب ـ سلیمان پیوسته حاجی محله ـ نعمت با شعور ـ سعید سلطان پور ـ ماریا کاظمی ـ اسماعیل هادیان –منصور فرسا ـ مهدی پهلوان ـ شهرام میرانی (در هند) ـ محمدرضا محمدیان باباعلی (کاک رشید) ـــ حمید امیر میرشکاری ـ ولی سوسنی ـ منوچهر ویسی ـ جعفر قنبرنژاد ـ مهنوش آذریون – شاپور جلیلی – جواد باقری، نادر شایگان، طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

توقیف ۴۰ روزنامه در یک روز

نماینده‌ی ولی‌فقیه در نیروی دریایی سپاه: توقیف ۴۰ روزنامه در یک روز مورد تایید نمایندگان مجلس در سال ۵۹ بود

حجت‌الاسلام علی شیرازی در حاشیه‌ی دهمین نمایشگاه مطبوعات کشور به خبرنگار حقوقی ایسنا گفت: در همان دوران آغازین انقلاب هم روش فعلی در جامعه پیاده می‌شد و شاید بیش از ۱۰۰ روزنامه و هفته‌نامه در تهران چاپ می‌شدند که این وضعیت نشان از تنوع و تکثر داشت و دارد.

مسئول نمایندگی رهبری در نیروی دریایی سپاه با اشاره به برخوردهای امروز با مطبوعات یادآور شد: این مساله در گذشته هم وجود داشته است؛ چنان‌که در سال ۱۳۵۹ پس از سخنرانی حضرت امام (ره) درباره‌ی تجاوز مطبوعات از حریم خودشان، آیت‌الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور ۴۰ روزنامه را در یک روز بستند و اسناد آن موجود است. در همان روز که این نشریات و روزنامه‌ی «میزان » نهضت آزادی بسته شد، تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی با ارسال نامه‌ای به موسوی اردبیلی از این اقدام حمایت کردند؛ از جمله رییس‌جمهور محترم فعلی آقای خاتمی، عطاءالله مهاجرانی، صفری، سید هادی خامنه‌ای و ... هم این نامه را امضا کردند.

www.iran-nabard.com